هفته نامهٔ
مجاهد
وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان



اجازه نباید داد که موضعگیری های بیمار و منطق های وارونه، دستآوردهای بزرگ ملت ما را زیر سوال قرار دهند.

از فرموده های استاد شهید

دور ششم – سال یازدهم – شمارهٔ دهم ۱۳ جوزای ۱۳۹۱ ۱۲رجب المرجب ۱۴۳۳ – 2 June 2012

نیل در مصاف تازه با فرعون
آیا فرعون باز خواهد گشت؟





داکتر احمد مرسی کاندیدای اخوان المسلمین
احمد شفیق کاندیدای بقایای حسنی مبارک

اکنون همه در انتظار دور دوم انتخابات مصر اند که قرار است به روزهای شانزدهم و هفدهم ماه جون برگزار گردد. عصام العریان رهبر اخوان المسلمین مصر اعلام داشت که انقلاب مصر در خطر است و اخوان قصد دارد تا با کاندیداهای حذف شده در دور اول به منظور نجات انقلاب داخل مذاکره گردد. عبدالمنعم ابوالفتوح نخستین کاندید حذف شده ای بود که حمایت خود را از داکتر محمد مرسی اعلام داشت. ص۲



مرد نمیرد به مرگ

ناله به دل شد گره، راه نیستان کجاست؟
خانه قفس شد به من، طرف بیابان کجاست؟

اشک به خونم کشید، آه به بادم سپرد
عقل به بندم فگند، رخنه‌ی زندان کجاست؟
گفت پناهت دهد، در ره آن خاک شو
آن که شدم در رهش خاک بگو آن کجاست؟
روز به محنت گذشت، شام به غم شد سحر
ساقی گل‌چهره کو، نعره‌ی مستان کجاست؟
در تف این بادیه، سوخت سراپا تنم
مزرعم آتش گرفت، نم‌نم باران کجاست؟
موج نلرزد بر آب، غنچه نخندد به باغ
برگ نجنبد به شاخ، باد بهاران کجاست؟
خوب و بد زندگی، بر سر هم ریختند
تا کند از هم جدا، بازوی دهقان کجاست؟
برق نگه خیره شد، شوق زدل رخت بست
خانه پُر از دود شد، مشعل رخشان کجاست؟
ناله شدم، غم شدم، من همه ماتم شدم
آن دل خرم چه شد، آن لب خندان کجاست؟
ابر سیه شد پدید، باز به چرخ سخن
اختر برج ادب، مرد سخن‌دان کجاست؟
هم نظر بوعلی، هم قدم بوالعلا
هم نفس رودکی، هم دم سلمان کجاست؟
مرد نمیرد به مرگ، مرگ از او نام جوست
نام چو جاوید شد، مردنش آسان کجاست؟

به مناسبت روز جهانی کودک
وضعیت اطفال در افغانستان
ص۷

به یاد قربانیان هشت جوزای ۱۳۵۸
آیا ما وارثان برحق شهداء هستیم
ص۷

در بزرگداشت از سالروز شهادت جنرال داوود داوود و جنرال شاه جهان نوری تأکید شد
پروندهٔ ترورهای زنجیره یی پیگیری شود



شهادت دوتن از فرزندان ارجمند (جنرال داوود داوود و جنرال شاه جهان نوری) قهرمانان عزیز و بزرگی را که در دوره های پرافتخار جهاد و مقاومت سنگر به سنگر در دفاع از دین، استقلال و آزادی کشور پرداخته اند و در اثر جنایت عدهٔ از عناصر تروریست اجیر و مزدور جام شهادت نوشیده اند، برای تمام مردم شهید پرور افغانستان تسلیت می گویم.

از فرموده های شهید صلح استاد برهان الدین ربانی در مراسم تشییع جنازهٔ جنرال داوود داوود و جنرال شاه جهان نوری در تخار ص۳

عظام رمیم شادروان استاد خلیل الله خلیلی در کابل به خاک سپرده شد

عظام رمیم استاد خلیل الله خلیلی شاعر و سخنور توانای کشور به تاریخ ۹ جوزای سال جاری، طی مراسم خاص در صحن پوهنتون کابل در جوار مقبرهٔ سید جمال الدین افغان به خاک سپرده شد. عظام رمیم استاد خلیلی که توسط علاقمندان وی از پشاور به کابل انتقال داده شده بود، به اساس هدایت رئیس جمهوری توسط کمیسیونی به خاک سپرده شد.

استاد خلیل‌الله خلیلی در بهار ۱۳۶۶ خورشیدی در شهر اسلام‌آباد پاکستان چشم از جهان فرو بست و به جاودانگان پیوست. و در هدیرهٔ رحمان بابای پشاور (پشتونخواه) پاکستان به خاک سپرده شد. یکشنبهٔ هفتهٔ گذشته (۶ جوزای ۱۳۹۱) ابلاغیهٔ از سوی وزارت اطلاعات و فرهنگ کشور به نشر رسید که در آن آمده بود، «هموطنان عزیز اطلاع دارند که شاعر سخنسرای بزرگ افغانستان استاد خلیل الله خلیلی بیست و پنج سال پیش از امروز در کشور پاکستان در ص۵

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل تایمنی سابقه سرک دوم خانه نمبر ۴۵
شمارهٔ تلفن: ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲ / ۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo& hotmail .com

سرمقاله

چالش های سر راه مهاجرین و عدم توجه دولت و کشور میزبان

به همه مبرهن است که مهاجرت ها در جوامع مختلف، روی انگیزه های گونه گون به وقوع می پیوندد که افراد و خانواده ها مجبور به ترک خانه و کاشانهٔ شان می شود و به کشورهای دور و نزدیک پناه می برند تا از گزندهای احتمالی در امان بمانند. برخی این مهاجرت ها به منظور ظلم و تعد حاکمان کشورها و بعضی به خاطر کاریابی و پیداکردن لقمهٔ نان به خود و خانواده ، انسان ها را وامیدارد تا تلخ کلامی های کشور میزبان، تهدیدها و خطرها را پذیرا شود. اما اکثریت مهاجرینی که در سال های جهاد و مقاومت کشور را ترک کردند که تراکم آن در کشورهای همسایه، پاکستان و ایران می باشد، اینها در اثر ظلم و تعدی بیش از حد قشون سرخ شوروی متوفی و ایادی آن ها مجبور شدند کشور را ترک و به خارج از کشور پناه برند. بنا به آمار تخمینی، بیش از پنج میلیون شهروندان کشورما مهاجر شده اند.

آشکاراست که در مهاجرت ها، تحولی در روند زندگی مهاجرین رونما می گردد. برای عدهٔ از مهاجرین چالش های از قبیل فقر و بی سرپناهی سر راه شان قرار می گیرد، فرزندان شان از تعلیم و تربیت باز می مانند، شغل و کاری که بتوانند از آن طریق امرار معیشت نمایند، میسر نمی شود، و ده ها مشکل دیگر که نمی گذارد قامت برافرازند و آنجاست که زمینگیر شان می نماید و خیلی دردآور است! اما برای عدهٔ که از اقتصاد بهتر برخوردار باشند و چانس یاری نماید، زمینه های کار و فعالیت برای شان میسر گردد، از زندگی خوبی برخوردار و فرزندان شان از آموزش و پرورش خوب بهره می گیرند که هم خودها از این داشته های شان بهره می گیرند و هم در رشد اقتصاد کشور میزبان کمک می نماید. گرچه از حقوق و امتیازاتی که اتباع کشورهای میزبان برخوردار اند، مهاجرین از این همه حقوق و امتیازات محروم اند.

هر باری که از جانب کشورما تصامیمی اتخاذ گردد که کشورهای میزبان آن را به زعم خود به زیان شان پندارند، انتقام آن را از طریق مهاجرین می خواهند بگیرند. هیاهو برپا می کنند، تاریخ خروج تعیین می نمایند، التیماتوم می دهند، و اکثرا به دستگیری و زندانی کردن و آزار و اذیت آنان می پردازند. اما دولت افغانستان هم نتوانست در یک دهه، با وجود حمایت جامعهٔ جهانی، امنیت را که در اولویت کاری قرار داشت، برقرار نماید که این خود معضلهٔ کلان برای مردم و کشورماست. اشتغال زایی برای بیکاران کشور ایجاد نشد که این هم برای جوانان بیکار در جامعه دردسر آفرین است، آنان را به بیراهه سوق می دهد. از همه مهمتر در جامعهٔ که در اثر سه دهه جنگ و ناامنی شمار زیادی از فرزندان آن از فراگیری نعمت سواد محروم مانده اند، دولت این طبقه را آمارگیری و زمینهٔ ایجاد حرفه را برای شان فراهم نکرد. آگاهان امور، دو چالش کلان سر راه کشور را ناامنی و بیکاری قلمداد می نمایند.

در حال حاضر جمعی کثیری بیکار و فقیر و بی مسکن، بالای شانه های دولت، گرانی می کند که سرازیر شدن مهاجرینی که در کشورهای همسایه زیست می نمایند، بر گرانی این بار بیشتر از پیش می افزاید. به اساس معلومات کمیشنری عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان از سال ۲۰۰۲ میلادی به اینسو نزدیک به شش میلیون تن از مهاجرین افغانستان به کشورشان برگشته اند که هنوز هم، سه میلیون افغان در ایران و پاکستان به سر می برند.

در حالی که کمیسیون چهار جانبه (افغانستان، ایران، پاکستان و کمیساریای سازمان ملل متحد در امور پناهندگان) موظف اند تا روی چگونگی برگشت آبرومندانهٔ مهاجرین افغانستان کار و راه های حل را جستجو نمایند، کشور پاکستان که بیشترین مهاجرین را داراست، ضرب الاجلی را تا اول جون اعلام داشته بود تا مهاجرینی که فاقد اسناد قانونی اند، آن کشور را ترک نمایند که این موقف گیری پاکستان، نگرانی مهاجرین، دولت افغانستان و نهاد های امور مهاجرین را به بار آورده است. به این اساس هیأتی به ریاست وزیر مهاجرین کشور دوشنبهٔ اول جوزا به کشور پاکستان رفتند تا روی موضوع صحبت و به تفاهم برسند. پیش از این نیز بارها چنین فشارهایی بالای مهاجرین وارد شده که بعداً فروکش کرده است. کشور ایران نیز گاه گاهی فشار خروج را بالای مهاجرین اعلام می دارد که چندی پیش به مهاجرینی که در مازندران و اطراف تهران زیست می نمایند، هشدار داده بود تا اخیر ماه جوزای سال جاری آن مناطق را ترک نمایند.

نیل در مصاف تازه با فرعون

آیا فرعون باز خواهد گشت؟

◆وحید مژده

دور اول انتخابات ریاست جمهوری در مصر، نتایج غیر مترقبه ای را به بار آورد؛ از ابتدا مشخص بود که از میان ۱۳ کاندیدای ریاست جمهوری، هیچ کدام رای لازم را برای رسیدن به پیروزی در دور اول به دست نخواهند آورد و انتخابات به دور دوم کشیده خواهد شد اما کمتر کسی به این تصور بود که احمد شفیق، آخرین صدراعظم حسنی مبارک و بازماندهٔ نظام دیکتاتوری سرنگون شده به وسیلهٔ انقلاب، یکی از دو نامزد راه یافته به دور دوم باشد.

از کاندیداهای مهم، کاندیدای اخوان المسلمین شانس بیشتری برای راه یافتن به دور دوم داشت اما شرایطی به میان آمد که رای اخوانی ها میان دو نامزد، داکتر احمد مرسی از اخوان و عبدالمنعم ابوالفتوح کاندیدای مستقل اسلامگرا که سابقهٔ اخوانی دارد، تقسیم شد. ابوالفتوح با به دست آوردن ۱۷ درصد از آراء، نفر چهارم شد.

هرچند تقسیم آراء میان این دو تن را می توان عاملی در تضعیف موقعیت اخوان در این انتخابات دانست اما جناح بازمانده از نظام سابق نیز موقعیت مشابه داشت. احمد شفیق با به دست آوردن بیست و پنج درصد از آراء، در مقام دوم قرار گرفت و عمر موسی سرمنشی اتحادیهٔ عرب نیز با به دست آوردن چیزی بیشتر از ده درصد آراء در مقام پنجم ایستاد. نفر سوم این انتخابات، حمدین صباحی از جناح ملی گرا بود با به دست آوردن بیش از بیست درصد آراء در مقام سوم قرار گرفت.

از این آمار و ارقام چه نتیجه ای به دست آمد؟ آیا معنی این گرایش در انتخابات این بود که مردم مصر با وجود دادن آنهمه قربانی، به انقلاب پشت کردند؟ اگر در جریان نتایج انتخابات دست کاری و تقلب نشده باشد، پس این سخن درست است که مردم مصر به ارزش های انقلاب شان بی باور شدند و این بی باوری خود را در انتخابات نشان دادند.

اما اگر واقعا چنین باشد پس چرا همین مردم در انتخابات پارلمانی به اخوان رای دادند و اخوانی ها اکثریت کرسی های پارلمان مصر را اشغال کردند؟

یک احتمال قوی اینست که نظامیان حاکم بر مصر، بر نتایج آرای مردم دستبرد زدند و به صورت دقیق این روند را مهندسی نمودند. طوری که نفر اول باید از جناح پر نفوذ اخوان می بود اما نفر دوم از خود آنان یعنی از بقایای رژیم مبارک. هدف این بود که اگر مردم نتایج را بپذیرند و اعتراض صورت نگیرد، ذهنیت ها برای به قدرت رسیدن احمد شفیق آماده خواهد شد و در دور دوم می توان شفیق را به قدرت رسانید. اما به نظر می رسد که این طرح تاکنون قرین موفقیت نبوده است. بعد از انتخابات، مردم مصر به تظاهرات گسترده دست زدند و با سردادن شعارهای تند علیه شفیق و نظامیان حاکم، نشان دادند که انقلاب را تنها نخواهند گذاشت.

در همین جریان اخباری مبنی بر دخالت بعضی از کشور های منطقه در جریان انتخابات مصر نیز به گوش رسید و این شایعات که بعضی از کشور های عربی در پشت پرده در صدد اند تا مصر را از مسیر انقلاب مردمی اش منحرف سازند، مردم را بیشتر از پیش به رفتن به خیابان ها و تظاهرات علیه شفیق ترغیب نمود.

چگونه مرسی جای خیرت شاطر را گرفت؟

کاندیدای پیشنهادی اخوان در ابتدا خیرت شاطر سخنگوی فراکسیون اخوان در پارلمان مصر بود. او شخصیت شناخته شده ای است اما بدلیل داشتن سابقهٔ محکومیت کیفری، کاندیداتوری وی از طرف کمسیون انتخابات رد شد و بنابر این محمد مرسی شخصیت نه چندان شناخته شده از طرف اخوان المسلمین جانشین وی گردید. در تنگنای زمانی که به میان آمد، مشکل بود تا اخوان بتواند برای احمد مرسی، در حدی که لازم بود کمپاین نماید اما اخوانی ها با تجربه ای که در رابطه با مردم دارند که بیشتر ناشی از دور ماندن اجباری آنان از قدرت در طول بیش از شصت سال است، توانستند در اندک مدتی، این خلا را پر کنند و داکتر مرسی توانست رای اول را در انتخابات به دست آورد.

باید این نکته را هم در نظر گرفت که بیش از نیمی از افراد واجد شرایط در انتخابات شرکت نکردند و اقلیت مسیحیان قبطی هم قبل از انتخابات تحت فشار قرار گرفتند تا برای آنان خطر به قدرت رسیدن اسلامگرایان گوشزد گردد. طبق یک آمار، قبطی ها ده درصد از نفوس مصر را تشکیل می دهند و در این انتخابات بدون تردید به رقبای اخوان رای دادند.

چرا مصر مهم است؟

مصر کشوی تاثیرگذار بر تحولات جهان عرب و در مجموع جهان اسلام است. مصر در جهان اسلام نه تنها یک قدرت فرهنگی است که روی فرهنگ و زبان عرب تاثیر داشته است بلکه کشوری است که آغازگر ملی گرائی در جهان عرب و قبل از آن مهد جنبش بزرگ سیاسی مذهبی اخوان المسلمین بود که امروز تاثیرش در سراسر جهان اسلام مشهود است.

مصر در جبههٔ اول جنگ علیه اسرائیل قرار داشت اما سیاست های این کشور در مورد اسرائیل، تاثیر منفی بر موقف اعراب علیه دشمن صهیونیست برجا نهاد. ناصر قضیهٔ فلسطین را از قضیه ای مربوط به امت اسلامی، مبدل به قضیهٔ عربی ساخت و این به نفع اسرائیل بود. مصر بعد از ناصر در برابر به دست آوردن سرزمین های اشغالی در جنگ شش روزهٔ ۱۹۶۷ توسط اسرائیل در صحرای سینا، با اسرائیل از در صلح درآمد. این سیاست را بعد از ناصر سادات بنیاد نهاد و بعد از کشته شدن وی حسنی مبارک تعقیب کرد.

با سرنگونی مبارک در نتیجهٔ قیامی که به بهار عربی شهرت یافت، اسرائیل جای پای محکمی را در مصر از دست داد. کابوس هولناک اسرائیل، به قدرت رسیدن اسلامگرایان در مصر است که بیش از هر کشور دیگری بر سرنوشت جهان عرب تاثیر دارد.

اکنون همه در انتظار دور دوم انتخابات مصر اند که قرار است به روزهای شانزدهم و هفدهم ماه جون برگزار گردد. عصام العریان رهبر اخوان المسلمین مصر اعلام داشت که انقلاب مصر در خطر است و اخوان قصد دارد تا با کاندیداهای حذف شده در دور اول به منظور نجات انقلاب داخل مذاکره گردد. عبدالمنعم ابوالفتوح نخستین کاندید حذف شده ای بود که حمایت خود را از داکتر محمد مرسی اعلام داشت.

شاید در دور دوم انتخابات، تعداد بیشتری از مردم به پای صندوق های رای بروند. این درحالیست که دنیای غرب و حامیان اسرائیل و نیز کشور های محافظه کار عرب همه نگران بقدرت رسیدن اخوان المسلمین در مصر اند. گروهی که مادر بسیاری از نهضت های اسلامی در جهان اسلام است اما در داخل کشور زادگاهش تاکنون از رسیدن به قدرت بدور نگهداشته شده بود، می رود تا بعد از ده ها سال مبارزه، به قدرت سیاسی دست یابد. اما به قدرت رسیدن هدف نیست. آیا اخوان خواهد توانست اقتصاد بحران زدهٔ مصر را به سوی وضع بهتر سوق دهد و به انتظارات ملت پاسخی شایسته دهد؟ این چالشی بزرگ فراراه اخوان است.

در بزرگداشت از سالروز شهادت جنرال داوود داوود و جنرال شاه جهان نوری تأکید شد

پروندهٔ ترورهای زنجیره یی پیگیری شود

◇ نذرالله عنایت

تا پلک به هم زدیم یک سال از حادثهٔ خونین تخار گذشت. در این حادثهٔ دردناک دوتن از فرزندان راستین این مرزوبوم هریک شهید محمد داوود داوود، شهید شاه جهان نوری و دو تن از همراهانشان به درجه رفیع شهادت نائل گردیدند.

سال گذشته دشمنان صلح و ثبات مردم افغانستان فرمانده داوود داوود و فرمانده شاه جهان نوری را از مردم افغانستان گرفتند. این چهره ها سالیان متمادی در کنار هم و در رکاب قهرمان ملی برضد دشمنان افغانستان رزمیدند و افتخارات کمایی نمودند. پس از تحولات اخیر جنرال داوود شهید با کمال متانت وظایف خطیری را در امر خدمت گزاری به وطن انجام داد.

جنرال داوود شهید به صفت فرماندهٔ زون ۳۰۳ پامیر همراه با سایر همسنگرانش مانند شهید مولانای سید خیلی قوماندان امنیهٔ ولایت قندز و شهید شاه جهان نوری قوماندان امنیهٔ ولایت تخار در تأمین ثبات در شمال نقش عمده را بازی نمودند. چهره های که حلقهٔ وصل شان با هدف برگشتاندن ثبات در شمال با رهبری وزارت داخله گره می خورد. اما حیف که این فرزندان صدیق را دشمنان از مردم افغانستان گرفتند.

در پاسداشت از سالگشت شهادت این ستاره های درخشان، مردم متدین و مجاهد افغانستان، در سراسر کشور سوگوار بودند و مراتب احترام و عزاداری خود را در گوشه وکنار کشور اداء نمودند. از آن جایی که فرماندهٔ محبوب زون ۳۰۳ پامیر جنرال داوود شهید از محبوبیت خاصی در میان قشر تحصیل کرده و دانشجویان دانشگاه ها داشت، نخستین بزرگداشت سالروز شهادت او را دانشجویان دانشگاه طبی و دانشگاه کابل برگزار نمودند.

در یک گردهمایی دیگر مردمی، در کابل از سالروز شهادت تجلیل به عمل آمد. در محفل بزرگداشت شهدای تخار، به شمول رهبران جناح های سیاسی، معاون اول ریاست جمهوری، رئیس مجلس نمایندگان، اعضای ولسی جرگه، وزرا و سایر نحله های سیاسی و اجتماعی کشور به شمول اعضای خانوادهٔ شهداء با قلب پر از اندوه حضور یافتند. سخنرانان هر کدام حرف و حدیث های را پیرامون شهادت، چیستی حادثه، بایدها و نباید ها مطرح کردند.

اما سخنرانی فرزند ارشد شهید جنرال داوود که با گلوی بغض گرفته و لحن کودکانه همراه بود، به همایش حال و هوای روحانی بخشید و حاضران را به گریه در آورد. دردی را که او در سینه داشت هرگز نتوانست پنهان کند.

از ولایت های شمال و شمال شرق نیز گزارش شد که مردم از سالروز شهادت شهدای تخار تجلیل نمودند. تخار سرزمین خون و شهادت است، در این شهر همیشه حق و با طل به مصاف هم رفته اند و سرانجام حق بر باطل پیروز گردیده است. رخداد تنگی فرخار، در ۱۸ سنبله سال ۱۳۶۷ هنوز از اذهان مردم فراموش نشده است.

برنامهٔ ترور شخصیت های جهادی و نیروهای مقاومت طی سال های اخیر ادامه دارد. این روند با شهادت مصطفی کاظمی در سال ۱۳۸۶ در بغلان شروع گردید و آخرین شهید این سلسله استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت بود که سال گذشته، در ۲۹ سنبله به وقوع پیوست.

چندی پیش مولوی ارسلا رحمانی عضو ارشد شورای عالی صلح افغانستان نیز از سوی دشمنان افغانستان به شهادت رسید. مردم افغانستان در این راه قربانی های زیادی را داده اند، اما هر باری که یکی از فرزندان این دیار با دستان نا پاک دشمنان و ایادی آنان ترور می شود، دولت افغانستان تنها این گونه رخداد ها را محکوم می کند. مردم افغانستان انتظار دارند که عاملان این گونه رخداد ها را باید بشناسند و پروندهٔ ترورهای زنجیره یی پیگری شود. البته با گذشت مدت ها نتایج تحقیقات کمیسیون های منتخب تا هنوز به دسترس وارثان شهداء و مردم افغانستان قرار نگرفته است و شاید هم هرگز قرار نگیرد.







آنهایی که مسؤولیت شان به پایان رسید رفتند و شهید شدند، اما کوله بار مسؤولیت هارا به یاران و همسنگران شان گذاشتند!

تصمیم حکومت پاکستان مبنی بر اخراج مهاجران از آن کشور

اخیراً حکومت ایالات خیبر پشتونخواه پاکستان اعلام کرده است که مهاجران افغانستان باید این ایالت را ترک گویند. این کشور برای اخراج مهاجران آخر ماه می و اول ماه جون را ضرب الاجل تعیین نموده بود.

در حال حاضر وزیر مهاجرین و عودت کنندگان کشور جماهیر آنوری برای رفع این معضل به پاکستان سفر نموده و گفتگو ها ادامه دارد. مقام ها در وزارت خارجه گفته اند که میکانیزم مشورتی چهار جانبه میان افغانستان، پاکستان، ایران و سازمان ملل متحد در امور مهاجرین وجود دارد که بر اساس آن، مهاجران به شکل داوطلبانه با عزت و به صورت تدریجی به کشور خود برگردند.

بر بنیاد این گفته ها سازمان ملل متحد مکلف است با حکومت افغانستان یکجا کار نمایند، تا برای آنان در داخل افغانستان شرایط زندگی مناسب ایجاد شود.

برخی از کارشناس این تصمیم حکومت خیبر را به رهبری حزب عوامی نشنل پارتی از ایالت خیبر پشتونخواه پاکستان خلاف انتظار مردم افغانستان می دانند. احمد سعیدی دیپلمات اسبق وزارت خارجه که سال ها در پشاور کار کرده و از نزدیک با جامعه شناسی آن سوی سرحد بلد است، در تماس با رسانه ها گفته است که این تصمیم حکومت به رهبری حزب عوامی نیشنل پارتی در خیبر پشتونخواه، موقف این حزب را در قبال افغان ها با پرسش مواجه ساخته است.

به باور این کارشناس احتمال چنین اقدامی را از احزاب سیاسی دیگر مانند مسلم لیک، حزب مردم و گروه های جماعت اسلامی و جمعیت علما به رهبری مولانا فضل الرحمن داشتیم، اما از حزب عوامی نشنل پارتی که سال ها داعیهٔ هم خون بودن و دوستی را با مردم افغانستان سرداده است هرگز از آن نداشتیم.

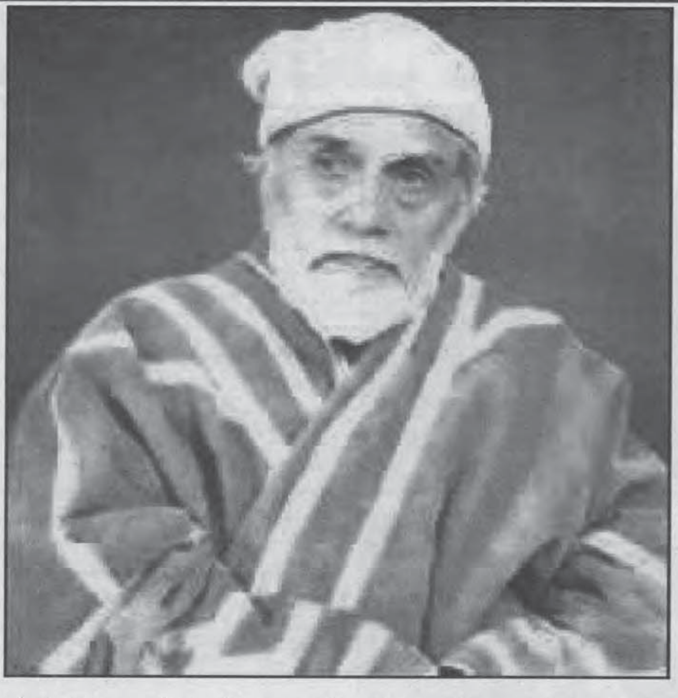
در این حال مردم عام افغانستان تصمیم مقام ها در ایالت خیبر پشتونخواه را برخلاف اصول و پرانسپ های همسایگی و قبل از وقت می دانند. اما در آن سوی سرحد گروه هایی در حمایت از این اقدام دست به تظاهرات زده خواهان تسریع این تصمیم شدند. درعین حال برخی ها بدین باورند که تصمیم اخیر حکومت ایالتی پاکستان جزء بازی های است که با استفاده از آن می خواهند فشار بالای حکومت افغانستان و حامیان بین المللی آن بیاورند.

طی سال های اخیر موضوع اخراج مهاجران از کشور های همسایه، همیشه به ابزاری بازی در دست آنان تبدیل شده است. این بازی ها گاه گاهی صورت می گیرد، اما در اثر امتیاز دادن ها با گذشت زمان فروکش می گردد. حالا معلوم نیست که این بار حکومت ایالتی خیبر پشتونخواه از خود انعطاف نشان می دهد یاخیر؟



ویژه گی های نثر ادبی استاد خلیلی

دکتور شمس الحق آریانفر



در نامه یی می خوانیم که وظیفه ادبیات بر بیان، نمایش، انتقال و تجسم اتکا دارد. (۱)

ارزیابی آثار و پرداخت های ادبی استاد خلیلی نشان می دهد که این استاد توانا با آشنایی و تسلط کامل بر رموز آفرینش و سخن گستری در همه نوشته هایش نیاز فرهنگ وادب را مطمح نظر داشته است.

از نگاه اسلوب نگارش نثرخلیلی، نه مصنوع و متکلف که نثریست ساده مرسل و با ترنم و آهنگ ویژهٔ خویش، گونه ناب و گزینی را اختیار نموده است. در راستای همین ویژه گیست که دانشمندان می نویسند:

«در نثر به شیوهٔ بیهقی... سخن می راند مضامین در پیشگاه خامهٔ توانانی او چون ابریشم تافته منقاداست. نثرهای شوخ و شیوا و قطعات روان و زیبای او شاهد این مدعاست» (۲)

دانشمند بلند پایه ایران سعیدنفسی ارجمندی نثرخلیلی را چنین مشخص ساخته است :

« نثرفصیح وبلیغ وسلیس خلیلی ما را به یاد معدودی از سخن سرایان می اندازد که از نظم و نثر به یک پایه و مایه برخوردار بوده اند »(۳)

عبدالرحمن پژواک ادیب و سخنسرای افغانستان، خلیلی را ناجی شعر و ادب کشور در زمان فترت و رکود ادبی می داند (۴)

باری بایسته است این ارجمندی را در آفریده های استاد خلیلی به جستجوی بنشینم:

۱- کاربرد واژه ها : درسفرپیدایش ازکتاب تورات آمده است : وخداگفت روشنایی بشود وروشنایی شد(۵)؛ یعنی اینکه نور و آفرینش با واژهٔ هستی یافت.

همچنان در انجیل یوحنا می خواهیم:

درآغاز کلمه بود کلیمه نزد خدا بود ، وکلیمه خدا بود (۶)

با درک این آرزومندی کلیمه اگر ادبیات را هنر ایجاد زیبایی به وسیلهٔ واژه ها بدانیم، بی آنکه بار معنایی فراموش شود، باید بگوییم که استاد خلیلی باتسلط کامل برزبان ومتون پارینه ، آگاهی ژرف و مسلمی درین زمینه دارد که بافصاحت تمام واژه را همچون مرواریدی درکنار هم به رشته می کشد .

واژه ها درنثر خلیلی نتنها جان دارند که می رقصند. از نی نامه بخوانیم :

« قافله بلخ ازنیشاپور سوی بغداد شد ، چون به کناردجله رسیدند پاسبانان بغداد پیش دویده پرسیدند :

ازکجا آمده آید؟ بکجا میروید؟

سلطان العلما ....گفت :

من الله والی الله ولاحول ولاقوت الا بالله

ازلامکان آمده ایم وبه لامکان میرویم . دربانان عرب درعجب فروماندند به خلیفه معروض داشتند جماعتی از بلخ فرارسیده که اغلب فاضلان ودانشمندانند. بزرگ ایشان درجواب ما چنین گفته است . خلیفه ازعظمت آن سخن به حیرت افتاد. شیخ شهاب الدین سهروردی را به بارگاهٔ خلافت دعوت نمود واین سخن را درمیان نهاد ، زیرا میدانست که ترجمان اسرار بزرگان بزرگانند وراز دان سوختگان و محرم لا لان دایهٔ لا لان (۷)

با آنکه هیچگونه تنافرحروف وغرابت استعمال وابتذال را درنگارش خلیلی راه نیست ، این استاد فرزانه به سهم خویش درایجاد الفاظ ترکیب ها وترویج واژه های متروک ومهجور ازمیان مردم فراوان همت گماشته است. سطوری را از« زمرد خونین» پرداخت داستانی خلیلی به خوانش می گیریم:

« آنگاه برزوی سیاهش را میپوشید چموس های نرم ساقدارشکری گونه اش رابه پا می کرد، چکمن برکی آستین بلند ش را، بشانه میافگند ، کلاه نمدین بارانی اش را برسر، ودستار کوچکش را بدست می گرفت؛ مست و مغرور ازخانه بدر می آمد و دیگر کشور خلوت وخاموش آشوکا را قلمرو بلامنازع خود می دانست » (۸)

ساختار کلام : ساخت وپرداخت کلام خلیلی، درنهایت اسنادی، پالوده و ناب و دور از تعقید های لفظی ومعنوی، تکرار وتتبع واضافات است. تاجایی که انسان باجملات زیبا و کشنده اش، برکشیده می شود ، شاهدی می آوریم از رساله «از بلخ تاقونیه ».

«این سخنان آسمانی تعبیریست از آه سوزناک عارفی که در سکوت شب وخلوت بامداد، به بارگاه پروردگار عرضه داشته و آن را با قطرات اشک شست وشو داده ووسیله رازونیاز گردانید ه، از هرکلیمه آن راز دل وسوزنهان آشکار است» (۹)

میگویند: آثاری که از اسلاف به اخلاف یادگار میمانند آنهایی هستند که خوب نگاشته می شوند وپرداخته های خلیلی ازین لحاظ آثاریست متعالی وناسرحد کمال وپختگی واوج تلفیق وتابناکی. سطرهای را ازکتاب «احوال وآثار حکیم سنایی» تالیف استادخلیلی شاهد می آوریم.

«گردش روزگار وتطورلیل ونهار غزنی را ویران کرد وآن بقعه نور را، به گور تیره بختان تبدیل داد . کاخ فیروزه را آتش زد. پرچم محمودی را ملتوی ساخت ؛ ولی نتوانست کاخی را که سنایی برافروخته بود منهدم سازد ، آتشی را که وی افروخته بود خاموش کند، صدایی را که اوبلند نموده بود خفه نماید ؛ زیرا این صدای حق بود وصدای حق تاآبد خاموش نمیشود (۱۰)

شکل ومحتوی : گویند روزی ویکتور هوگو نویسنده شهر فرانسوی به داوید هنرمند گفت:

ای هیکل تراش بزرگ ، شکل همه چیز است وهیچ چیز نیست. هرگاه توام بامعنی باشد،همه چیزاست والی هیچ نیست .

در راستای این ویژه گی باید گفت که خلیلی آن گاه دست به خامه می برد ولب به سخن میگشاید که چیزی برای گفتن دارد ونیازی به آفریدن. خلیلی ازروی تفنن آغاز سخن نمیکند وبویژه درنثرش چنین مواردی مشهود نیست.

اینست که سخن درپایست را به با بسته ترین نحوه یی ارائه میدهد .تمامیت ویگانه گی شکل ومحتوی برآیندیست از چنین شیوهٔ نگارش وپرداخت که اوج سخن استاد را به نمایش می گنارد.

رساله « پیوند دلها» را میخوانم وسطرهای را از آن می آوریم که مصداق این امر است .

« مسلمانان درهرجاکه باشند برادرند وشریک نفع وضرر. خلونکدهٔ دلهای ما بر پرتوشمعی روشن است که آن را فرو زنده مشعل ایمان برافروخته .

تاگلبانگ توحید، از کنگره های مسجد ونوای قران، در دل محراب وصدای حق، در زیر این صارم نیلگون بلند است ؛ فروغ این مشعل، خانه دلهای مارا، روشن وفروزان خواهد داشت . کودکان باکلمه توحید چشم به جهان خواهند گشود و مرد ه گان ما با این کلیمه دیده از گیتی خواهند بست: لااله الا الله محمد رسول الله (۱۱)

شکل عالی بامحتوای متعالی، هماهنگی شکل ومحتوی، آشتی وآشنایی جاویدانه لفظ و مضمون .

آهنگ وموسیقی: پژوهشگران به این باورند که در یک نوشته چهار نوع موسیقی وجود دارد، موسیقی حروف، موسیقی کلیمات، موسیقی جمله ها ، وموسیقی کلی نوشته که از آغاز تا انجام چه آهنگی را پیروی کرده ، درین آهنگ همگام با معنی، چه تحولات را ه یافته است (۱۲)

درچار چوبه این سخن باید گفت خلیلی بعنوان بزرگترین شاعر وسخن آفرین بیشتر از همه براین راز آهنگ وموسیقی واژه ها وکلام، وقوف دارد. از همینجا ست که کلام خلیلی ، رها از تکرار هجاها ، کلیمات وجملات که زائید ه موسیقی کلام است سرشار از شور و موسیقیت. موسیقی وآهنگی که حتی از نثرهای تحقیقی وزیاد تخنیکی اش نیز هویداست. به این بیان موسیقایی توجه نمائید که سخن بیداد چنگیز است واز «نی نامه» گزیده ایم .

«شیههٔ آسپان کوچک ، آن برج وباروی شیرستان عظیم را، به لرزه درمی آورد . یرلیغ قتل وفرمان غارت داشتند .یاسای آنها فقط وفقط کینه وکشتار بود. شهرهای آبادان را بمسلخ آدمی زاد گان میکردند. میگرفتند ومی کشتند ومی سوختند ومی رفتند. (۱۳)

پاگیزه گی و منقحیت: ویژگی دیگر پرداخت های خلیلی، درآنست که حشو وزواید و لا طائلات را درنثر او راه نیست .

پاکیزه گی و بالوده گی، مشخص ترین حصیصهٔ نگاشته های خلیلیست. در باز نمایی این اصل بخش های را از ترجمه وتفسیر شریف مشهور به «تفسیر کابلی» را که بیش از ۱۳ جزآن به قلم استاد خلیلی، تنقیح ونگاشته شده است، میتوان شاهد آورد:

می خوانیم ، از جز اول کلام پاک: ترجمه: آغاز میکنم بنام خدایی که بی اندازه مهربان ،نهایت بارحم است .این کتاب نیست هیچ شکی درآن ،راهنماست ترسندگان (پرهیز گاران را)آنانی که ایمان دارند به چیز های نادیده ،ودرست برپامیدارند نمازرا ،وازآنچه اعطاکرده ایم ایشانرا خرج میکنند وآنانی که ایمان دارند، به آنچه نازل شده بسوی تو، ازآنچه نازل شده پیش ازتو و به آخرت، ایشان یقین دارند .

آن گروه برهدایت اند از جانب پرودگارشان وآن گروه ایشانند رستگاران .هرآینه آنانیکه کافرشدند، برابرست برایشان که بترسانی ایشانرا یا نترسانی ایشانرا، ایمان نمی آورند. مهر نهاده است خدابردلهای شان وبرگوشها یشان وبرچشمان شان، یکنوع پرده است. ایشان راست، عذاب بزرگ وبعضی مردمان کسانی اند که میگویند :ایمان آوردیم به خدا وبه روز قیامت، حال آن که نیستند ایشان مومنان. فریب میکنند باخدا و با کسانی که ایمان آورده اند و نمی فریبند مگر نفس های خودرا ودقت نمی کنند و شعورندارند. دردلهای ایشان یکنوع بیماریست پس افزود به ایشان خدا بیماری را و ایشان راست عذاب دردناک به سبب آن که دروغ میگفتند .وهنگامیکه گفته شود با یشان که فساد مکنید درزمین؛ گویند جز آن نیست که ما اصلاح کارانیم .

و اینهم بخشی از تفسیر این آیات: منافقان نوع نوع فساد انگیختند. به تمایلات نفسانی منهمک بودند در انقیاد احکام شرع سستی می کردند و از آن نفرت داشتند .با مسلمانان وکافران به هردو جانب مراوده داشتند به غرض رفعت قدر ومنزلت خویش حرف یکی را به دیگری میگفتند. باکافران به مدارا وآمیزش بودند .درامور مخالف دین، آنها رامزاحم نمیگشتند .اگر کافران اعتراضی ،یا اشتباهی درمسایل دین مینمودند، آنرا روبروی مسلمانان آشکارامیگفتند ،تامردم ضعیف الاعتقاد بی خرد را، دراحکام شرع مشتبه سازند .اگرکسی آنهارا از اجرای مفاسد شان باز میداشت ، میگفتند: ماخواهان اصلاحیم ومیخواهیم مانند روزگارپیشین، یگانگی درمیان مردم برقرار شود ومخالفتی که ازدین جدید، بمیان آمده ،رفع گردد.(مردم مادی وهوا پرست همیشه چنین گویند) (۱۴)

وصف: نثرخلیلی بخصوص درپرداخت های ناب ادبی، سرشار ازتوصیف و وصف های زیباست که مستقیم ویابه کمک تشبیه ، استعاره و کنایه های جالب، شکل گرفته است از «زمرد خونین» شاهد می آوریم :

توصیف مستقیم : بابای میرگن مهرافگن کوه پیمای صحرا نورد دریا گذار شکاری ما، نامش پردل بود. چشمهای تنگ وعمیقش، به کبودی گلهای کاسنی، و ریش انبوه کوتاهش، به زردی گل میخک می نمود. (۱۵)

توصیف غیرمستقیم : تنها دریکی از روز های سخت زمستان دختری از همبازی های زمرد ، او را دیده بود که کوزه گرانی را ازدریا، به حصار میبرد. جامه اش مندرس وپاهایش برهنه بود، گونه اش زرد وپیکرش نحیف شده بود؛ مانند میوهٔ خام که به زمین افتد وفاسد گردد (۱۶)

سخن فصیح وبلیغ : بی گمان آنسان که ادب شناسان اذعان داشته اند ، خطا به نیز گونه ازنثراست و نثر خلیلی،

ص۵

نثرهای ادبی استاد...

چه درخطابه وچه درانواع داستانی وتاریخی ، با درنظر داشت احاطه خلیلی، بر ادبیات پیشین، کار برد واژه های فصیح وبلاغت وچیره گی اش برزبان فارسی – دری دراوج فصاحت ورسایست، تا آن جا که نثرخلیلی را درین زمینه می شود ازناب ترین وسره ترین نمونه های نثرفارسی – دری به شمار آورد :

جملاتی را از خطا به سال ۱۳۳۵ خلیلی درموزیم تهران نقل میکنیم :

« روزی که پیام دوستانهٔ جلالتمآب آقای داکترمهران وزیر فرهنگ دولت ایران را درکابل به من ابلاغ کردند ، من آن را پیام مهربانی وآهنگ درای دوستی دانستم. پند اشتم که سعدی از دبستان وحافظ از آستان پیرمغان، مرا صدا میزنند .ودرخلوتگاه خرقان وبسطام دعوت میکنند واسرار التوحید را بگوشم فرا میخوانند. عطار وخیام مرا به شهر شان میطلبند ....(۱۷) آغازی بدینگونه وبیانی بااین آگاهی وخبرت از فرهنگ یگانه دوکشور، با درنظر داشت محل ومستمعین ،کمال بلاغی سخن خلیلی رانماینده گی میکند .

پرداخت داستانی : ازخلیلی دواثر با پرداخت داستانی برجا مانده است:« زمرد خونین »که یک داستان کوتاهست ودیگر «عیاری از خراسان» که متنیست تاریخی با پرداخت داستانی. درشواهد پیشین ،از زمرد خونین نمونه های را باز خواندیم ، اینک بخشی را از «عیاری ازخراسان» میخوانیم، بعنوان شاهدی ازنثر داستانی ، تاریخی استاد خلیلی:

« بالاحصار کابل، از پشت سینه های رنگین وسفید برج، درنگاه گلچهره ، شبیه به قلبی بود که ورم کرده باشد . حق باوی بود ، زیرا برج وباروی بالاحصار، دل افغانستان است. گویا دیواری که از تیغه های کوه « شیر دروازه» امتداد یافته، شریانیست که این دل را ازآن آویخته باشند (۱۸)

واما اگر شگردهای داستان پردازی را به ویژه در دهه های پیشین درنظر داشته باشیم ، باید گفت که درزمینه داستان نویسی استاد خلیلی نکاتی را میشود یاد آورشد که بازهم ویژهٔ خود آن استاد است . داستان زمرد خونین رادرنظر میگیریم. طرح این داستان بدینگونه است .

آغاز داستان با وصف وستایش پردل میرگن، آغاز میشود چند صفحهٔ داستان وقف کارکرد ها وخاطرات اوست ، تااینکه درقسمتی بامشاهده گورستان ، پردل لب به قصه میگشاید وسرگذشت زمرد را به یارانش میگوید. اینکه زمرد دختر نازدانه یی بود . یگانه دختر خواجه. خواجه مرد، زمرد راکه دیگر کس نداشت بنا به عرف محل، خان قریه برد. خان باپسرش، بر او ظلمها نمودند، تااینکه پدرود هستی گفت ، بعد خانواده خان زیر برف کوچ (بهمن) گردید. خان پسرش راکشت وخودبعدازشش ماه آواره گی مرد ومردم جسد او را، دور از قبرستان خود دفن کردند .

درساختار این داستان تاجاییکه دیده میشود، زوایدی وجود دارد. داستان میتوانست ، بدون ذکر پردل میرگن مستقیماً از زندگی زمرد آغاز شود وبعد با مرگ خان پایان یابد . ولی می بینم که پردل وکارها نامه های او درآغاز داستان به گونهٔ اضافی آمده است ودرپایان نیز، بعد ازمرگ خان که باید ختم داستان باشد جملاتی بهٔ گونه نیتجه گیری وقضاوت نهایی ذکر گردیده است ، که این نیز زیادیست .

واما اگر ازین اصل تکنیکی بگذریم، باید گفت که استاد درهر دوبخش اضافی ، حرفهای داشته است که بگوید. حتی میشود گفت که برای بیان سخنانش، آن بخش ها را افزوده است. بهٔ گونهٔ نمونه از هر دوبخش آغاز وانجام، سطرها ومفاهیمی را، نقل می کنیم:

در بخش نخستین از باور پردل، این بیان کنایی و سمبلیک را ارائه می کند: بابه پردل، خرس راجانور بس نادان وابله میدانست .اولین دلیلش این بودکه خرس کور کورانه، ازانسان تقلید میکند. (۱۹) ودرپایان، فرجام سرنوشت خان بیداد گررا، اینگونه به تمثیل میگیرد :

مردم نعش مرده اش را دور ازگورستان خود بخاک سپردند تا از شومی وی روان مردگان شان آزار نیابد.(۲۰)این بیان نفرینی است بر بیداد ونفرت از بیداد گران . بااین یادآوری هامیشود گفت داستان پردازی خلیلی باأندک مسامحات تخنیکی از لحاظ شکل ومضمون، دراوج زیبایی وارجمند یست. خلیلی داستان را، نه ازسرتفنن که از سرنیاز می نوشته است وازهمین روست که داستان استادخلیلی مالامال بار معنایی ومسایل اجتماعی، اخلاقی وانسانی است. البته با بیانی، بیشترکنایی واستعاری وهمراه با زیبا ترین لفظ .

سبک : دانشمندی مینویسد : سبک تنها چگونگی بیان ازنظر لفظی نیست ، بلکه مقصود، روش کلی نویسنده درکیفیت تالیف، تعبیر اندیشه واحساس است(۲۱) .

ویژوهنده دیگری یاد آورد میشود : اسلوب بیان، عین انسان است .(۲۲)

بادرنظر داشت این یاد گرد ها که سبک کیفیت تعبیر، اندیشه واحساس است وعین شخصیت نویسنده است بایدزمینه های اساسی، هستی یابی سبک را دریابیم

داشتن جها نبینی ، شرایط تاریخی وفرهنگی وآگاهی برآن ، تسلط برزبان، تعهدوالتزام ، زمان ودرک ویژه گی های آن (۲۳) از لازمه های اساسی درشکل گیری سبک است . اگراین معیارها را درنظر داشته باشیم ، باید خلیلی رادر افغانستان، یگانه نویسنده سدهٔ اخیر بدانیم که از سبک ویژه ومتعالی برخور دار است وشاید هیچ نویسندهٔ دیگری بخصوص همزمان با او صاحب چنین سبک مشخصی نشده باشد .

ازنگاه زبان، خلیلی تسلط کامل برآن دارد. ازلحاظ جانبینی پیوند او بایدلوژی وعرفان وتصوف ژرف اسلامی، بعدعظیم شخصیت اورا میسازد. کارکردهایش در رابطه با سنایی غزنوی ، خداوند کار بلخ ، حضرت بیدل ، ابراهیم ادهم وصوفیان دیگربرهان مدعاست. همینگونه آثارخلیلی میزان خبرت تمام او را برتاریخ وفرهنگ پارین وروزگار معاصر جامعه اش نشان می دهد .

تعهدوالتزام به انسان وانسانیت وخدمت به جامعه انسانی نیز ته بنای همه افریده های اوست. همین تعهد است که ازسویی ایجاد آثار ارزشمند وپرغنایی را سبب شده وازجانب دیگر در رگه های سمبلیک وکنایی درسرا سر آثارش راه کشیده است .به این عبارات توجه کنید :

با به پردل به حیوانات بی آزار سخت مهربان بود. سعی میکرد همیشه با جانوران درنده پنجه نرم کند، هرگاه پلنگی را میکشت وگرگی را از پا درمی آورد،رو باهی راصد می کرد، گویا وظیفه بشری خود را ...انجام میداد . همیشه برکشتهٔ آهوان میگریست، برنقش گوسفندی که گرگ آنرا دریده بود، دریغ میخورد، برکبکی که شاهین سینهٔ گرمش را شکافته بود، ندبه میکرد. هر جالانهٔ شاهین وعقاب رامیدید ویران میگرد(۲۴).

یا: هرجاگلی می دید که ازسینه کوه سربرآورده ، دورآنٍ رااحاطه میکرد (۲۵)

یا : هرآواز ی که ازدل دره وسینه صحرا برمیخاست، تارهای دل اورا به نوا درمی آورد .گویا ازسازکوه سازجان می شیند(۲۶)

زمان وآگاهی خلیلی ازسیرحوادث روزگار، اساسی ترین پهلوی شخصیت این بزرگمرد والاست. زمان برخلیلی خیلی ها بیرحم بوده است: پدرش رامیگیرد، درنوجوانی آواره وتبعید ی اش میکند .عمری را، با درد ساختن ودندان برجگر گرفتن ونگفتن، محکومش میسازد ، و درپایان درحالیکه دیگر پیر و زمینگیراست ، باردیگر آواره اش می کند. این است که خلیلی بادرد بزرگ میشود وهمچنان با آن بسر میبرد: دردآگاهی وناآگاهی مردمش، درد یا فتن وسوختن ، و درچنبرهٔ ازبیداد ساختن ودم برنیاوردن، درد واندوهی که کوشش دارد، کتمان کند. آنگونه که رضازادهٔ شفق می گوید:

خلیلی اهتمام دارد ، ملال خود را از دوستانش پنهان کند ولی در برخورد های معمولی وجاری او هم، تبسم های مهرآمیزش درواقع نشانهٔ پیکار درونی او با دیو اندوهست. من خود سایهٔ ملال را درورای لبخند های دوست نواز اوحتی در ارتفاعات وصفا گاه (استالیف) کابل تشخیص دادم (۲۷).

این ویژه گی هاست که سبک خلیلی را به گونهٔ سبک فاخرو متعالی مشخص ومعین میسازد. تاجاییکه که خوانندهٔ خبیری می تواند آثار خلیلی را به ساده گی باتکیه برسبک آفرینشی اوتشخیص دهد ، درحالیکه درمورد سایر نویسندگان همر وز گار اوشاید این معرفت حاصل نشود .

شوردرون، صفای بیان ، اندوه پنهان، درد پرسیلان، پیراستگی زبان ، آگاهی واندیشه پرفوران ضابطه هایست درشناسایی سبک نگارش خلیلی .

وفرجامین سخن رابا یاد کردی آذین میگیریم ازمحمد حیدر ژوبل در تاریخ ادبیات افغانستان که می نویسد :

درآغاز تاریخ ادبیات افغانستان قصیده سرایی چون رودکی جریانهای شعردری راجمع کرد ونهری عظیم ساخت وزمینه رابرای قصیده گویی فرخی سیستانی آماده کرد وبیهقی نثر خود را معیار فصاحت ساخت .درفصل اخیر تاریخ ادبیات افغانستان نیز ازشخصی متذکر میشویم که فرخی سیستانی وعنصری بلخی را درقصیده وبیهقی رادرنثر نویسی زنده کرد ونشان داد که فرزندان افغانستان پسرانی اند که نشان پدران دارند (۲۸)

آنچه باید گفت اینست که : درپیوند با شعر استاد خلیل الله خلیلی ، نکات و مقالات و رساله های در افغانستان و ایران و تاجیکستان وپاکستان نشر گردیده است. اما نثر خلیلی هنوز آن گونه که بایسته است ، به شناسایی نیامده است. امید است این نوشته سرآغازی باشد دراین راستا، تا دانشیان وپژوهشگران درمورد تحقیقات سودمندی را ارائه دهند.

پانویسها:

۱. عبدالقیوم ،قویم .فنون ادبی (بیان). انتشارات پوهنتون کابل،۱۳۶۱ ،ص ۴
۲. خلیل الله خلیلی.دیوان اشعاربه کوشش امید وارهراتی ،تهران،۱۳۳۱،ص۱۰
۳. همان . تقریظ بردیوان خلیلی به قلم سعید نفسی.
۴. همان . تقریظ از پژواک
۵. خلیل الله خلیلی ،نی نامه ،کابل ، نشرات انجمن تاریخ ،ص ۶
۶. خلیل الله خلیلی.زمرد خونین .کابل انتشارات بیهقی ،۱۳۵۵،ص ۲
۷. از بلخ تاقونیه ،به اهتمام غلام حبیب،ص ۱
۸ .احوال وآثارحکیم سنایی ،کابل :انتشارات بیهقی ،۱۳۵۶ ،ص ۱
۹. برگهای خزانی به انضمام پیوند دلها ،تهران .۱۳۳۶،ص۹۹
۱۰. دکتر مندور ،درنقدوادب .تر جمه داکترعلی شریعتی ،چاپخانه طوس ،۱۳۳۶ ،ص ۵۵
۱۱. خلیلی، نی نامه ،همان،ص ۴
۱۲.خلیل الله خلیلی،ازسجاده تاشمشیر،۱۳۶۳،ص۲
۱۳. تفسیرشریف کابلی، انتشارات بیهقی : ۱۳۴۵،جزاول ،آیه ۱– ۱۱
۱۴. خلیلی، زمرد خونین ،همان،ص ۱و۱۴
۱۵.خلیل الله خلیلی ،سوزن زر و جامه سپید، چاپ عبدالغفار گدار،ص۲
۱۶.خلیل الله خلیلی ، زمرد خونین ،ص ۱۴
۱۷.مندور، داکتر، همان ، ص۴۰
۱۸. خلیلی، برگهای خزانی همان ،ص.۴۱
۱۹.دکترمندوز ،همان ، ص ۲۴
۲۰. لطفعلی صورتگر ،سخن شناسی ،میزان و انتشارات دانشگاه ،۱۳۴۱ ،ص۲۶۹
۲۱. –پویا فاریابی .سبک ومکتب درادبیات ،کابل ، انجمن نویسنده گان ۱۳۶۷،
۲۲. خلیل الله خلیلی ، اشک ها وخونها، برگزیده جز سوم دیوان ، رایزنی جمهوری اسلامی ایران ، اسلام اباد، ص ۴۰
۲۳ .نخستین تجاوز روس به افغانستان ، کمیته فرهنگی جمعیت اسلامی افغانستان ، تهران ، ۱۳۱۶
۲۴و۲۵و۲۶– خلیلی زمردخونین،همان ، ۴ و ۵
۲۷– خلیلی .دیوان اشعار :تهران ، ۱۳۳۱ ،ص ۷
۲۸محمد حیدرژوبل .تاریخ ادبیات افغانستان بعد ازاسلام، بخش دوم .۱۳۳۶ ،ص۱۶۴

عظام رمیم شادروان استاد...

دیار غربت به حق پیوست و در حومهٔ شهر پشاور به خاک سپرده شد. اخیراً کسانی از ارادتمندان آن شاعر و ادیب برجسته افغانستان و منطقه با اقدام و ابتکار شخصی از روی اخلاص، تابوت حاوی عظام رمیم ایشان را از حومهٔ پشاور به کابل انتقال داده اند. وزارت اطلاعات و فرهنگ جمهوری اسلامی افغانستان به زودی هموطنان گرامی را از جریان مراسم تدفین و برگزاری محفل یادبود از بیست و پنجمین سالگرد وفات آن استاد گرانمایهٔ سخن، خواهد گذاشت.»

همچنان شورای وزیران در جلسهٔ دوشنبهٔ ۸ جوزا، کمیسیونی را جهت ارج گذاری به استاد سخن و تکفین و تدفین آن مرحومی تعیین و فیصله نمود که، «شورای وزیران به خاطر ارج گذاری به پیکر استاد خلیل الله خلیلی شاعر بلند پایهٔ کشور که در سال ۱۳۶۶ در دیار هجرت جان به حق سپرد و در شهر پشاور پاکستان به خاک سپرده شده بود، اخیراً عظام رمیم مرحومی توسط دوستانش به کابل انتقال شده، کمیسیونی به عضویت وزرای تحصیلات عالی، معارف، نمایندهٔ با صلاحیت امور داخله، سر محقق زلمی هیواد مل وزیر مشاور در امور علمی و فرهنگی و رئیس اکادمی علوم را تحت ریاست وزیر اطلاعات و فرهنگ موظف نمود تا به شمول مسعود خلیلی، بعد از تثبیت محل خاک سپاری، پلان مراسم تکفین، تدفین و فاتحه خوانی شخصیت ملی کشور را با اتخاذ تدابیر، طرح و تطبیق نمایند.»

شادروان استاد خلیل الله خلیلی سخنور نامور کشور، در سال ۱۲۹۳ خورشیدی در شهر کابل دیده به جهان گشود. در سنین طفولیت والدینش را از دست داد و در نیمهٔ راه، تعلیم را رها کرد. سال ها در زمان صدارت هاشم خان در ارگ محبوس بود و در صدارت شاه محمود خان به قندهار تبعید گردید. استاد سخن، سال های را در کابل، کوهستان و بلخ گذرانید. در پُست های اساسی در دوایر دولتی در داخل و خارج از کشور ایفای وظیفه نمود. در اوایل دههٔ بیست خورشیدی به حیث معاون دانشگاه کابل به کار گماشته شد. در سال ۱۳۳۰ رئیس مستقل ریاست مطبوعات شد و در سال ۱۳۳۲ به حیث مشاور عالی سلطنتی در دربار محمد ظاهر شاه پذیرفته شد. در سال های نخستین دههٔ ۵۰ به عنوان سفیر کبیر در عربستان سعودی و سپس در عراق مصروف خدمت بود.

استاد خلیلی پس از کودتای هفت ثور سفارت را ترک و مدتی در اروپا و امریکا به سر برد. اما عشق وطن دیر آنجا نگذاشتش. استاد پس از آن به پاکستان آمد و در کنار هزاران هموطن آواره‌اش، مسکن گزید. از استاد خلیلی، ۶۳ اثر منظوم و منثور در عرصه های مختلف هنر، ادب، سیاست، فلسفه و عرفان بجامانده است که در داخل و خارج از کشور به طبع رسیده است.

در حالی که به روح سخنور و ادیب توانا و افتخار کشورمان شادروان استاد خلیلی درود می فرستیم و روحش را شاد می خواهیم، از دولت افغانستان می طلبیم تا در شناسایی هرچه بهتر و بیشتر این افتخار کشور از طریق مراجع مربوطه تلاش بخرج دهد.



۱- سایر چهره های معروف نهضت اسلامی:

خارج از حوزه جغرافیایی اعراب در سده بیستم چهره های دیگری نیز در میان جوامع مسلمانان غیر عرب به عنوان چهره ها و گروه های تأثیرگذار بر نهضت اسلامی قرن بیستم تبارز کردند. در شبه قاره هند، ایران، حوزه قفقاز و آسیای میانه.

در شبه قاره هند افرادی مانند شاه ولی الله دهلوی و خانواده اش، سیداحمد بریلوی، سپس اقبال لاهوری، ابواعلی مودودی و در کشور ایران نواب صفوی، آیت الله خمینی ، مرتضی مطهری و در میان تعلیم یافتگان عصری علی شریعتی و مهدی بازرگان و غیره .

یکی دیگر از افراد شاخص و تأثیر گذار درجامعه مسلمانان روسیه و متأثر از اندیشه های سید جمال و عبده، اسماعیل گاسپرینسکی در اواخر سدۀ نوزدهم از مسلمانان تاتار در کریمه بود. هر چند افکار و دیدگاه های او تلفیقی از وحدت اسلامی و ناسیونالیزم ترکی را منعکس میساخت. او به ایجاد مکاتب عصری پرداخت و طرفدار نزدیکی مسلمانان با روسیه برای مقابله با غرب بود. او در واقع بانی افکاری شد که در آسیای مرکزی و جامعه مسلمانان روسیه نهضت جدیدی ها در پرتو آن شکل گرفت. وی خواستار هماهنگی مسلمانان و کار سازمان یافته آنان بود.

تنوع و افتراق اندیشه در نهضت اسلامی یا جریان اسلام گرایی:

در طول سده بیستم که نهضت اسلامی به عنوان یک جریان دینی- سیاسی به ویژه با تأسیس اخوان المسلمین مصردر سال ۱۹۲۸ عیسوی شکل گرفت، افکار مختلف و حتا متضاد بر سر تعبیر و قرائت از نظام و حکومت اسلامی و شیوه های تشکیل آن از درون نهضت سر براورد. هر چند که در رسانه های غرب و در میان مخالفان و حتا موافقان نهضت اسلامی این جریان با نام های بنیاد گرایی اسلامی، اسلام گرایی، اسلام سیاسی، افراط گرایی اسلامی و غیره عنوان میشود، اما این نامگذاری ها د ر واقع اکنون بازتابی از واقعیت تنوع و افتراق در درون نهضت اسلامی است. علی رغم آن در میان نویسندگان، سیاستمداران ومستشرقین غربی نیز بر سر تنوع و تفاوت در درون نهضت اسلامی و یا جریان اسلام گرایی دیدگاه یکسان وجود ندارد.

الیویه روه نویسنده و مستشرق فرانسوی از دسته بندی نهضت اسلامی به جریان های اسلامیست، سنتگرا و فوندامنتلیست، رفورمیست سخن می گوید. دانیل پایپز(Daniel Pipes) متولد۱۹۴۹ نویسنده و مؤرخ امریکایی و متخصص تاریخ خاور میانه نیز جریان اسلام گرایی را به اسلام سنتی، میانه رو و اسلام تند رو یا به قول او اسلام نظامی دسته بندی می کنند.

شگفت آور این است که او مصطفی کمال اتاترک را الگوی میانه روی در جریان اسلام گرایی معرفی میدارد؛ در حالی که اتاترک هیچ تعلق و دلبستگی به این جریان نداشت. اما "خیرت ویلدرز" سیاستمدار هالندی رهبر حزب آزادی این کشور(PVV) و "هارتموت کراوس" جامعه شناس و پژوهشگرآلمانی به هیچگونه دسته بندی در درون جریان اسلام گرایی به خصوص به گروه میانه رو در این جریان باور ندارند. ویلدرز تروریزم و افراط گرایی را افکار ملهم و برگرفته از آموزه های اسلام تلقی میکنند. هارتموت کراوس، اسلام را تعالیم و احکام جامع و مطلق در جهت ایجاد یک نظام سیاسی در قالب دین می پندارد که به قول او میتواند نیروی بسیار افراطی را در جهت تشکیل آن نظام سیاسی وارد معرکه جنگ و خشونت کند.

"این گونه نامگذاریها، پذیرفتنی نیست":

بعضی از احزاب و گروه های نهضت اسلامی یا جریان اسلام گرایی و چهره های معروف و صاحب نظر این جریان دسته بندی و نامگذاری را بر مبنای قرائت و دیدگاه متفاوت از اسلام در مورد سیاست و جامعه نمی پذیرند. آنها مقولات بنیادگرایی، افراط گرایی، میانه روی و نوگرایی اسلامی را ساخته و پرداخته مخالفان نهضت های اسلامی به خصوص از سوی غربی ها تلقی میکنند که با بار منفی در مورد نهضت های اسلامی بکار میرود.

دکتریوسف قرضاوی که ریاست اتحادیه جهانی علمای مسلمان را بدوش دارد وبا تألیف ده ها اثر درامور دینی- سیاسی شخصیت تأثیر گذار در جامعه سنی و درمیان جریان اسلام گرایی این جامعه است با این گفته که " این گونه نامگذاری ها پذیرفتنی نیست"، نامگذاری و در واقع دسته بندی را با نام های اسلام سنتی، اسلام بنیادگرا، اسلام تجدد طلب و . . . . توطئه دشمنان اسلام تلقی میکند که در جهت تجزیه و تقسیم اسلام واحد و فراگیر انجام می شود.

کارل ارنست استاد و نویسنده مسلمان و رئیس بخش مطالعات دینی در دانشگاه کارولینای شمالی امریکا و مؤلف کتاب اقتدا به محمد(ص) مقوله ی بنیاد گرایی را یک مقوله مسیحی می داند که بر مسلمانان تحمیل شده است. به قول او اصطلاح بنیاد گرایی اندکی پس از ۱۹۰۰ در کلوفرنیا به کار برده شد و آن هنگامی بود که یک گروه انجیلی پروتستان، جزوه ای با عنوان"بنیادها" Fundamentalsm حاوی فهرستی از اعتقادات اجباری منتشر ساختند. سپس این مقوله در مطبوعات امریکا و غرب در مورد انقلاب اسلامی ایران و دیدگاه رهبر آن آیت الله خمینی بکار رفت و اصطلاح بنیاد گرا و اسلامی بصورت تفکیک ناپذیر از سوی رسانه های غربی متداول شد . همچنا ن این نویسنده مسلمان امریکایی میگوید که : "واژه های چون تروریزم و تعصب که برای شریر جلوه دادن مسلمانان بکار میرود در قلب مدرنیته ی اروپا ایجاد شد . این انقلاب فرانسه بود که واژه های تروریزم، تعصب و تحجر را ابداع کرد ." اما برغم تأکید قرآنکریم و سایر منابع اسلام بر وحدت و یکپارچگی مسلمانان و علی رغم تردید دسته بندی در درون نهضت اسلامی و جریان اسلام گرایی، افکار و عملکرد متفاوت و حتا متعارض احزاب مختلف اسلامی این تفاوت و دسته بندی ها را بازتاب میدهد؛ واقعیتی که در متن نهضت اسلامی تکوین یافته است. ازسوی دیگر بعضی احزاب اسلامی وچهره های شاخص ومعروف نهضت اسلامی حتا دکتر یوسف قرضاوی در واقع دسته بندی را با عبارات و مقولات دیگری درجریان اسلام گرایی می پذیرند و از روش افراط، تفریط و حد وسط یا میانه سخن میگویند. قرضاوی مکتب فکری خود را الوسطیه (حد وسط) می خواند.

احزاب و گروه های اسلامی برغم آنکه همه از نظام و حکومت اسلامی سخن می گویند اما هر کدام با دیدگاه و عملکرد متفاوت، نظام اسلامی را در عرصه های مختلف حیات ترسیم می کنند. از رسیدن به نظام اسلامی تا ارائه پایه ها و چهار چوب تئوریکی نظام و ترسیم عملی آن در جامعه سخن متفاوت و حتا متضاد دارند. مذهب شیعه رهبری یا امامت را در اسلام از ارکان اعتقادی میداند. مذهب سنی به چنین چیزی معتقد نیست. در حالی که جمهوری اسلامی ایران به عنوان دولت اسلامی شیعه بر مبنای نظریه ولایت فقیه توسط آیت الله خمینی تأسیس یافت، اما برخی از مراجع مذهبی و گروه های دینی- سیاسی شیعه نظریه ولایت فقیه را از دیدگاه مذهب شیعه تردید می کنند. بعضی احزاب اسلامی انتخابات را برای تعین رهبری نامشروع می پندارند و برخی آنرا جایز می دانند. شماری برای تشکیل دولت اسلامی به شمشیر و جنگ متوسل می شوند و راه ترور و خشونت را به عنوان جهاد با کافران و بازگشت به اسلام در پیش می گیرند و بعضی سیاست میانه روی و مدارا بر می گزینند. بعضی از احزاب و گروه های اسلامی با پذیرش دموکراسی و پلورالیزم حتا باور به سکولاریزم سیاسی را به نمایش می گذارند.

با توجه به این واقعیت ها، نهضت اسلامی را به مثابه ی یک نهضت دینی- سیاسی از منظر قرائت و برداشت آنها از اسلام در عرصه سیاسی و در عنایت به افکار و عملکرد شان در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره به گروه های مختلف و متعدد میتوان دسته بندی کرد. اگر به جریان اسلام گرایی از زوایای متذکره نگاه شود در کل میتوان چهارگرایش و در واقع چهار نوع نهضت اسلامی- سیاسی را مشخص کرد. اما در جزئیات و با توجه به تفاوت برداشت ها و دیدگاه های عناصر و حلقه های فعال و شاخص در درون این چهار گرایش، دسته بندی های متعدد و مختلف دیگر در هر یک این گرایشها قابل مشاهده است. از سوی دیگر رفت و آمد افراد از لحاظ فکری در این گروه ها حالت متغیر و نوسانی دارد.

اسلام گرایی سنتی (Traditional Islamic):

جریان اسلام گرایی سنتی یک جریان دینی- سیاسی است که بروی معنویات و تطبیق شریعت تأکید میکند. این جریان در میان علمای دینی جامعه سنی مذهب مسلمان که بیشتر از مدارس سنتی و غیر رسمی برخاسته اند نفوذ و پایگاه دارد. جریان اسلام گرایی سنتی در جوامع سنی کشورهای اسلامی بر خلاف جریانهای دیگر اسلامی وفاداری و پابندی بیشتری به مذهب خود از میان مذاهب چهارگانه سنی نشان میدهند. این جریان همچنان از ویژگی های جریان بنیاد گرایی اسلامی و حتا جریان افراط گرایی برخوردار است که با بخش رادیکال و افراطی بنیادگرایی و جریان افراط گرایی مشترکاتی چون جزم اندیشی، قشری گری و ظاهرگرایی دینی دارند. اما بر خلاف جریان بنیادگرایی اسلامی به انتر ناسیونالیزم اسلامی و تفکر امت واحد اسلامی مبتنی بر نفی مرزهای جغرافیایی و سیاسی چندان باور و وفاداری نشان نمیدهند. آنها به هویت های بومی و قومی خود تکیه میکنند و حتا در این مورد با تنگ نظری و تعصب ظاهر می شوند. تفاوت دیگر این جریان با بنیادگرایی اسلامی بر سر اجتهاد بر می گردد. جریان سنتگرایی اسلامی دروازه ی اجتهاد را در شریعت اسلامی بسته می بینند و با برداشت های مختلفی که بیرون از مذاهب اهل سنت میشود مخالفت می ورزند. به باور آنها اجتهاد در عصر فتنه درست نیست و مسلمانان مکلف به تقلید از امامان مذاهب چهارگانه خود هستند. این جریان به موضوع انتخابات بر سر رهبری دولت و کشور اسلامی با جریان های دیگر اسلام گرایی اختلاف دارند. آنها انتخابات به شیوه امروز در تعین رهبری دولت و محدودیت زمانی را در زعامت نامشروع می پندارند. هر چند گروه های مختلف جریان سنت گرایی در این مورد با توجه به شرایط جوامع و کشورهای خود شان افکار و رفتار متفاوت داشته اند. جریان سنت گرایی اسلامی در مورد حقوق اجتماعی و سیاسی طبقه زنان دیدگاه خاص خود را دارند و حتا بعضی از گروه های این جریان حق تعلیم و تحصیل و کار زنان را در اجتماع نامشروع تلقی میکنند. افزون بر آن این جریان با مظاهر تمدن غربی و مدرنیته حتا در لباس و سبک زندگی غربی کم ا زکم در ظاهر مخالفت نشان میدهند و بیشتر با لباس های بومی و سنتی خود ظاهر میشوند؛ هر چند که در استفاده از مدرنیزم غربی تعصب و تردیدی ندارند.

بسیاری از گروه های اسلامی متشکل از علمای دینی و سنتی در کشورهای اسلامی به جریان اسلام گرای سنتی تعلق می گیرند. جماعت علمای اسلامی پاکستان برهبری مولانا فضل الرحمن، حرکت انقلاب اسلامی افغانستان که توسط مولوی محمدنبی محمدی در آغاز دهه هشتاد عیسوی شکل گرفت و حتا تحریک اسلامی طالبان افغانستان و پاکستان از لحاظ فکری و مذهبی- سیاسی، گروه های اسلامی مربوط به این جریان هستند.

چشم انداز روابط...

چپ داخلی، تاب نیاورد و سرانجام رهبران آن، کشور را به قصد دنیای غرب ترک گفتند.

اما بعد از تحولات ۱۱ سال پیش، در ساختار های امروزی افغانستان با تغییر جامه بعضاً حضور یافتند و امروز از منادیان دموکراسی و حقوق بشر در افغانستان می باشند. چین در سال های ۱۹۹۶ تا سال ۲۰۰۱ که در افغانستان گروه سیاه اندیش طالبان حکمرانی داشتند، گفته شده است با تشویق پاکستان با آن ها روابط غیر مستقیم داشته است.

انتظار افغانستان از چین:

افغانستان به عنوان کشوری که در میان بیم و امید به سر می برد، بستن پیمان ها با کشورهای بزرگ دور و نزدیک یک مقداری سبب کاهش نگرانی ها می گردد. انتظار افغانستان از چین بیشتر متکی به حمایت های اقتصادی و سرمایه گذاری در بخش های معادن صنعت و روابط بازرگانی می باشد.

بر اساس آمار و ارقام در حال حاضر حدود ۹۰ درصد بودجۀ افغانستان از کمک های خارجی تمویل می شود و در نهایت افغانستان تمایل دارد با توسعۀ بخش معادن به خود کفایی برسد. چیزی که کشور چین نیز میل دارد در این عرصه افغانستان را یاری رساند. بنا برآن هردو کشور در بخش استخراج معدن مس عینک در ولایت لوگر در حدود بیش از ۴ میلیارد دالر امریکایی سرمایه گذاری نموده اند که کارهای مقدماتی آن از چند سال بدینسو ادامه دارد.

این کشور نیز می خواهد در بخش معدن آهن حاجیگک و استخراج نفت در افغانستان سرمایه گذاری نماید. از سوی دیگر امروز تولیدات این کشور تمام بازارهای افغانستان را پرنموده است، شما اگر در سراسر افغانستان به گشت زنی بپردازید، به اندازۀ انگشتان تان شهروند چینایی را نمی یابید، اما اگر در شهرها قدم بزنید در هر ده قدمی فرآوردهای تولیدی این کشور را مشاهده می نمایید. از موبایل همراه گرفته، تا ساعت دستی و کفش پای و... همه تولیدات چین اند.

بنا برآن برای این غول اقتصاد جهان در شرایط حاضر موضوع تجارت و اقتصاد به تمام پالیسی های سیاسی آن رجحان دارد و همواره سعی نموده است از این دید حضور بین المللی خود را در بازارهای جهان و منطقه حفظ نماید.

از سوی دیگر نباید فراموش کرد که افغانستان در ابعاد منطقه یی انتظارات دیگری از چین نیز دارد. با توجه به روابط گستردۀ چین با کشور همسایۀ شرقی پاکستان، روابط دیرینه دارد. انتظار افغانستان از این کشور این است که نباید در رابط دو جانبه افغانستان را از عینک دید پاکستان مانند امریکا و انگلیس ببیند. تجربۀ که به نتیجه نرسید و امروز البته تنها امریکا به اشتباهات خود تا حدودی پی برده است.

در حال حاضر افغانستان به عنوان یک کشور آزاد و مستقل امیدوار است با داشتن رابط با چین، این کشور بر پاکستان فشار وارد کند، تا ارگان های نظامی و استخباراتی آن دست از حمایت طالبان و دیگر گروه های شورشی بردارد.

انتظار چین از افغانستان:

چین کشوریست که با توجه به جمعیت و رشد اقتصادی بالا، به هر نوع منابع طبیعی و اقتصادی نیاز دارد و انتظار این کشور از افغانستان این است که پای چین را در این مارکیت بکشاند، چیزی که تحمل آن شاید برای رقبای سیاسی و شرکت های غربی سخت دشوار تمام می شود.

نگرانی دیگر چین در افغانستان نبود امنیت کامل است، این کشور از دولت افغانستان می خواهد که برای تطبیق پروژه ها، امنیت که پیش شرط همه چیز محسوب می گردد،تأمین نماید. گسترش ناامنی ها در مناطقی که چین می خواهد سرمایه گذاری نماید، از همین حالا پرسش هایی را مطرح نموده است. نگرانی دیگر چین موضوع مسلمان های ایغور در همسایگی با افغانستان است. ایغور هایی آزادی خواه که همین اکنون در پاکستان جایی که دیگر شورشیان به سر می برند، به نگرانی هایی چین دامن زده است. با آنکه این نیروها از حمایت دولت مرکزی افغانستان در حال حاضر برخوردار نیست، اما چین نگران آن است که مبادا در درازمدت ایغور ها از ناحیۀ مرزی افغانستان به حاکمیت مرکزی آن کشور صدمه بزند.

به مناسبت روز جهانی کودک

وضعیت اطفال در افغانستان

عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل



بحران های اجتماعی و سیاسی، ظرف دهه های اخیر در افغانستان، بسیاری از خانواده ها، نظام آموزش و پرورش، نظام خانوادگی و آیندهٔ کودکان را آسیب پذیر ساخته است.در نتیجهٔ این جو پیش آمده هم اکنون میلیون ها طفل قادر نیستند به مکتب بروند، سواد بیاموزند و از تعلیم و تربیهٔ معاصر بهره مند گردند. موجودیت یک میلیون انسان معلول و معیوب در کشور عکس العمل مستقیم باحیات طفل و خانواده دارد. به همین تناسب موجودیت رقم درشت از معتادان مواد مخدر برای این همه دشواری ها افزوده است، بسیاری از خانواده ها در افغانستان در نتیجهٔ جنگ و التهاب های سیاسی و اجتماعی نان آوران خود را از دست داده اند و بسیاری از کودکان بین ۱۰ تا ۱۲ سال یا بالاتر از آن مشغول کارهای شاقه اند. تا برای خانواده های خود زمینه درآمد را فراهم سازند. امروز هزاران کودک در شهرهای مختلف در خیابان ها به تکدی می پردازند و صد هزار آن به کارهای؛ مثل: کار در داش های خشت پزی، موتر شویی، چاه کنی، کار در مزرعه و غیره مشغول اند. امروز چهره های رنگ پریدهٔ خیابانی وجدان هر بیننده را در افغانستان متألم می سازد که از رهگذر آن طلب استرحام می نمایند. این گونه وضعیت موجوده، اطفال را در برابر تهدید های مختلف از جمله کودک ربایی و قاچاق آسیب پذیر می سازد. در برخی موارد اطفال به هدف بهره برداری جنسی، قاچاق مواد مخدر و فروش اعضای بدن شان به کشورهای همسایه، استفاده می شوند.

امروز کودکان در افغانستان به وسیلهٔ مخالفان سیاسی دولت به بهانهٔ آموزش و فراگیری علوم دینی به پاکستان انتقال داده می شوند. این اطفال بعد از شست و شوی مغزی و بعد از فرا گیری فنون کاربرد اسلحه دوباره به افغانستان گسیل می گردند که نمونه های زیاد از آن همه روزه از طریق رسانه های داخلی و بین المللی گزارش داده می شود، طوری که بارها دیده شده، اطفال به کارهای دهشت افگنی از سوی مخالفان وادار گردیده اند. طوری که یک طفل ۱۲ ساله مظنون به اعمال تروریستی در سال گذشته به این کشور فرستاده شده بود از سوی رئیس جمهور کشور مورد عفو قرار گرفت. و این طفل بعد ها دوباره در نتیجهٔ یک عملیات از سوی امنیت ملی کندهار که مشغول اعمال تروریستی بود، دست گیر گردید. این اطفال زندگی را یک امر حقیر، کوچک و ناچیز می داند. اینها مواردی اند که برای شان از سوی مخالفان نظام تفهیم می گردد و هر حرکت دهشت افگنی و انتحاری در نظر این اطفال یک عمل پسندیده و اسلامی محسوب می گردد.

مشکل دیگر در افغانستان پایان بودن کیفیت زندگی می باشد، مطابق گزارش ملل متحد اکنون هفت میلیون انسان در افغانستان با کمبود مواد غذایی روبرو اند و بیشتر از ۳۰ فیصد از انسان ها در افغانستان در زیر خط فقر زندگی می کنند، بسیاری در زیرخیمه ها و اماکن سرباز حیات به سر می برند که تبعات منفی اینگونه زندگی اطفال آنها را متأثر می سازد، زیرا آنها از رفتن به مکتب محروم می گردند و در همان آغاز زندگی به فکر نان، آب و لباس می گردند و آیندهٔ آنها فدای این جو ناسالم حیات اجتماعی می گردد. کشورهای دور و نزدیک مخالفان سیاسی از این جو نامساعد سود می برند، حتا این اطفال در خطوط و جبههٔ مخالف دولت به کار گرفته می شود و آنها به اعمال انتحاری تشویق می گردند. وزارت داخله افغانستان به تاریخ ۲۱ فبروری سال ۲۰۱۲ از دست گیری قاچاقبران خبر داد که می خواستند ۴۱ کودک را در ولایت کنر که بین ۶ الی ۱۱ عمر داشتند به پاکستان بفرستند. تا بعد از تعلیمات ابتدایی تحت نام مدارس دینی دوباره به داخل افغانستان به هدف اعمال تروریستی بفرستند. در افغانستان تولد پسر نسبت به دختر ترجیح داده می شود، زیرا پسر پایه های اقتصادی خانواده را محکم می سازد و در مواقع لزوم به آن مراجعه صورت می گیرد، به همین منظور تولد در بعضی از مناطق افغانستان، به ویژه خانواده های فقیر اقبال خوب ندارد؛ زیرا پسر می تواند کار کند و به خانواده پول به دست آورد. بی مورد نیست که یک مادر در ولسوالی خان آباد ولایت کندز به جرم بدست آوردن سه دختر از سوی خانوادهٔ شوهر به قتل رسانیده شد. این موضوع را مسؤولان محلی ولایت کندز به تاریخ ۳۱ جنوری ۲۰۱۲ گزارش داده اند که در مطبوعات داخل کشور انعکاس وسیع داشته است، امروز افغانستان در برابر کمیت عظیمی از کودکان بی سرپرست و کودکان معلول و معیوب و فقیر جامعه قرار دارد. نهادهای خیریهٔ داخلی و خارجی و وزارت های که در این عرصه کار و فعالیت می نمایند بسنده نمی باشد، به رنگ نمونه: وزارت کار و امور اجتماعی، شهداء و معلولان و سایر نهادهای خارجی می خواهند برای این اطفال کار و حرفه تدارک ببینند و برنامه های؛ مثل آموزش های فنی در زمینه های ترمیم موتر و سیم دوانی برق، ترمیم وسایل برقی، خیاطی، نجاری، آموزش کمپیوتر وغیر روی دست گرفته است که در گام نخست در جهت خود کفایی تعداد از کودکان مفید واقع می گردد. در شرایطی که ۳۰ درصد از کودکان فقیر به کارهای شاق مشغول اند و در برابر مزد اندک کارهای مهم را انجام می دهند، یک چنین فعالیت های دولتی و غیر دولتی، چون ریختن بحر در کوزه است. رسیدگی به اطفال خانواده های بی سرپرست، یتیم، معلول و بیکار مستلزم یک برنامه و استراتژی ملی و بین المللی است.

مشکل افغانستان از بسا موارد با مشکل اطفال کشورهای عقب مانده و جهان سوم فرق می نماید؛ زیرا جنگ در افغانستان ادامه دارد و همه ساله به کمیت اطفال بی سرپرست افزوده می شود و این اطفال مسؤول هزینه های خانواده های فقیر، کم درآمد و بی درآمد خویش اند. طی سال های اخیر در حدود ۵ میلیون کودک شامل مکتب گردیده اند، مکاتب حرفوی، عمومی و مسلکی در کشور ایجاد گردیده و به موازات آن پوهنتون های دولتی، خصوصی، تعلیمات عالی و نیمه عالی گسترش بی سابقه داشته است که یک دستآورد از نظر کمی محسوب می شود با آنهم دیده می شود که حدود چند میلیون کودک قادر نیستند به مکتب بروند، همه روزه مکاتب در بعضی از مناطق جنگی افغانستان به آتش کشیده می شود و اطفال از درس محروم می گردند، دختران نسبت به پسران کمتر مجال می یابند که نظر به شرایط فرهنگی، امنیتی و اقتصادی به مکتب بروند. در بسیاری از مناطق افغانستان در مکاتب دخترانه معلم زن وجود ندارد و خانواده ها حاضر نیستند تا دختران شان را به مکتب بفرستند تا از طریق معلمان مرد به آنها آموزش و پرورش داده شود.این معضل نه تنها در مناطق نا امن حاکم است؛ بلکه در ولسوالی های اطراف شمال کشور؛ مثل: مزار شریف، بامیان، بدخشان، تخار، بغلان و... وجود دارد که یکی از دشواری های جامعهٔ افغانستان در سیستم آموزش و پرورش می باشد. با وجود افزایش کمیت مکاتب عمومی، مسلکی و تحصیلات عالی، دیده می شود که این مکاتب و تحصلات عالی از کیفیت چندان برخوردارنیست، بسیاری از فارغان صنوف دوازده که یک دورهٔ آموزشی را در افغانستان قبل از راه یافتن به تحصیلات عالی تشکیل می دهند، از سواد کافی بهره مند نمی باشند و نمی توانند که در یک اداره به مثابهٔ یک فرد با سواد استخدام گردند. امروز در افغانستان تلاش در جهت تأسیس مکاتب در اولویت قرار گرفته و در جهت کیفیت آن کمتر توجه صورت می گیرد، رسیدگی به مشکل کیفیت، به زمان، تجربه، هزینهٔ اضافی و استراتژی آموزش و پرورش نیاز دارد. ص۸

به یاد قربانیان هشت جوزای ۱۳۵۸

آیا ما وارثان برحق شهداء هستیم

ابوبکر سبزوار

سی و سه سال از شهادت قافله سالاران نهضت اسلامی افغانستان به دست دژخیمان کمونیست در زندان پلچرخی گذشت. بیش از یکصد و هفده تن به این گناه که خواستار برپائی قانون خدا بر زمین خدا بودند، مظلومانه به شهادت رسیدند.

اکنون پس از سی و سه سال وقتی به گذشته می نگریم، بی اختیار این سوال در ذهن ما نقش می بندد که آیا ما وارثان برحق آن شهدا بودیم؟ آیا ما می توانیم ادعا نمائیم که وارث راه آنهائی هستیم که با خون های پاک شان، با عزت و سربلندی برای این ملت تجدید بیعت کردند و تاریخ را رنگ افتخار بخشیدند؟

بانگ تکبیر هائی که با گلوله خاموش ساخته شد، دیگر آشنائی خویش را با گوش های ما از دست داده است. از خاطرهٔ آن شهدای گلگون کفن اگر امروز توسط خانواده های شان یاد بود به عمل نیاید، برای یاران دیروز خاطره ای فراموش شده است. یاران دیروز که به یمن نیروی شمشیر شکن آن خون های پاک امروز به نان و نوائی رسیده اند، کمتر فرصت پرداختن به خاطرات گذشته را دارند، سودای تجارت و زمین و بلندمنزل فرصت کمتری به پرداختن به وقایع گذشته را می دهد.

اگر از یک طرف شرکت در چنین اجتماعات در خور شان چنین شخصیت ها نیست، از جانب دیگر ریاست امنیت ملی هم به آنها در مورد احتمال حملهٔ تروریستی علیه جان شان هوشدار داده است که در نتیجه ممکن است به کاروان شهدا بپیوندند. اولاد ها در خارج زندگی می کنند، چندین مشکل صحی دیگر موجب می شود تا کمتر فرصت پرداختن به آن مسایل پیش آید و در مجموع «زمانه ای است که هرکس به خود گرفتار است».

خدا شهدای راه جهاد را در بهشت برین جای دهد، اما می خواهیم زندگی خود ما را بکنیم. البته گاهی به مناسبت هائی که یادی از شهدا به عمل آید، با ریختن چند قطره اشک، دین خود را به آنها اداء می کنیم.

در یکی از ولایات، پسر یکی از شهدای هشت جوزا می خواهد با جمعی از همفکرانش سالروز شهادت پدرش و همرزمان پدرش را گرامی بدارد. مقامات ولایت به وی می گویند، این اجتماع باید در یک مسجد یا محیط سربستهٔ دیگری برگزار گردد زیرا از تظاهرات در محیط سرباز امکان استفادهٔ عناصر فرصت طلب متصور است و امکان دارد تظاهرات به خشونت کشیده شود.

واقعاً این کار برای مقامات ولایت خطر آفرین است زیرا در صورت دادن اجازهٔ تظاهرات، ممکن است بر آنان اتهام حمایت از تفنگ سالاران وارد آید. این شهداء که برای رهائی ملت افغان قیام کردند و جان بر سر این کار نهادند، نباید شهدای همه ملت به شمار آیند.

از جانب دیگر بسیاری از این والی ها و قوماندان ها در گذشته وابسته به همان گروه هائی بودند که قاتل این شهداء و مصبب اصلی همهٔ مصیبت های این ملت اند. یاد آوری از شهدای انقلاب اسلامی، یادآور این حقیقت است که این قماش عناصر در گذشته چه کردند که در نتیجه این ملت به خاک سیاه نشانده شد. پس باید گذشته را به تاریخ بسپاریم و به آینده فکر کنیم. فریاد های آزادی طلبی که در جوزای ۱۳۵۸ با رگبار گلوله خاموش ساخته شد، بخشی از گذشته ای است که باید فراموش گردد.

اما در مقابل باید مسئلهٔ عدالت انتقالی را پی بگیریم. باید مجاهدین سابق که در جنگ های کابل این شهر را ویران کردند، به محاکمه کشیده شوند زیرا بدون تطبیق عدالت انتقالی، امکان به میان آمدن صلح عادلانه در افغانستان ناممکن است. به همین سادگی؟ بلی به همین سادگی!!

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قران قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال یازدهم – شمارهٔ دهم ۱۳ جوزای ۱۳۹۱ ۱۲رجب المرجب ۱۴۳۳ - 2 June 2012

د تاپي د ګاز نل ليکي څلور اړخيز تړون، او په اړه يې هيلې او ګواښونه

شفیق



تاپي د ګاز نللیکی (پایپ لاین) د هغه تړون نوم دی چې له مخې یې د منځنۍ اسیا په طبیعي زیرمو مالامال هیواد ترکمنستان څخه د افغانستان له لیاری پاکستان او هند ته ګاز لیږدول کیږي چې د هند او پاکستان هیوادونه به پدې اړه د ګاز لرلی کمښت پوره کړي.

دغه اوږده پروژه چې د څه د پاسه شلو کلونو راهیسې پرې بحثونه شوي دی او د ترکمنستان طبیعي ګاز ته له روسیې سربېره بله ترانزیتي لیار هم پرانیزی، تولو اړخونو ته ډیره حیاتی پروژه ده او یوازې ایران هغه هیواد دی چې ددې پروژې په پلې کیدو سره په زیانمن شي؛ ځکه دغه هیواد هم له مودو راهیسې له خپلې خاورې څخه ددې نل لیکې د تېریدو هیله من دی. په نولس سوه پنځه نوي یم کال کې هم ددې پروژې په سر د یادو هیوادونو ترمینځه د تړون موضوع را اوچته شوې وه خو هغه مهال د افغانستان کورنیو جګړو یې مخه ډب کړیود.

اوس چې د بن له پریکړې وروسته په افغانستان کې د نړیوالې ټولنې د حضور په موده کې ددغه تړون په عملي نقشه کار پیل او تېره ورځ د ترکمنستان په عشق آباد کې دغه څلور اړخیز تړون لاسلیك شو، ټولو اړوندو لوړو ته ددې پروژې د بریالیتوب او ګټورتوب هیلې پیدا شوي دي.

د ګاز دغه نل لیکه چې د ترکمنستان څخه د هندوستان تر هیواد پورې ۱۶۴۰ کیلو متره پورې واټن کې تیریږي، څه د پاسه اوه سوه کیلومتره به د افغانستان په خاوره کې تیریږي نو له همدې امله یې ترانزیتي فیس د افغانستان لپاره ینو ډیر ښه عاید دی ځکه تر پنځه سوه میلیون ډالرو پورې به ترانزیتي فیس افغانستان ته ورکولی کیږي او لدې سربېره په دوه زره شپاړسم کال کې له بشپړیدو وروسته چې کلــه هــره ورځ د افغانستان له لیارې درې اعشاریه دوه ملیارده کیوبك فټه طبیعي ګاز هندوستان ته ځي نو افغانستان هم حق لرلی شي چې پنځه سوه کیوبك فټه ګاز د همدې پروژې له برکته راغلي؛ که څه هم په افغانستان کې د ګاز د زیرمتونود نه شتون لامله دا مهال ددې جوګه ندی چې دغه ګټه پورته کړي او یا ډیره اړتیا هم نه لیدل کیږي؛ ځکه چې د ګاز خپلې طبیعي زخیرې هم لري خو د ترانزیتي فیس څخه یې ګټه پورته کولای شي او هم له همدې لیارې د افغانستان خلکو ته د شلوزرو څخه زیاتو وګړو ته د کار زمینه برابریږي او هم د لیکې تر څنګه د اورګادي او موټروی (د موټر پراخه سرکونه) جوړولو پلانونه هم ممکن کیږي، کوم کار چې د نړیوالې ټولنې له افغانستان څخه د وتلو وروسته اقتصادي پیاوړتیا او په خپلو پښو دریدلو زمینه برابرولی شي چې له همدې نړیواله ټولنه او په ځانګړې توګه امریکا هم ددې اوږدې نل لیکې غزیدو ته ډیره لیواله ده او پدې سره کیدای شي د سیمې ددې څلورو هیوادونو ترمینځه د ګټو ګډوالی د یو بل په امنیت تینګولو کې اغیزمن واقع شي ځکه افغانستان چې همیش د پاکستان له هیواد څخه د نا امنیو په راپیدا کولو کې ګیله اوسي دغه پروژه پاکستان ته دا لازموې چې په افغانستان کې د نا امنیو د راپیدا کیدو لیوال نشي او له بلې خوا د هندوستان او پاکستان دواړو هیوادونو ته د ایران له لیارې د ترکمنستان ددغه ګاز نل لیکې د تیریدو لګښت هم ډیر تمامیږي پداسې حال کې چې د ترکمنستان څخه نیولې د افغانستان د جنوب او لویدیځ له لیارې د پاکستان چمن ښارګوټي ته او بیا له هغه ځایه د ملتان له لیارې د هندوستان په پوله پریوت ښارګوټي فزیلکا پورې لګښت اته ملیارده ډالر اټکل شوی او هم کیدای شي چې هندوستان او پاکستان هغه ګاز هم په خپلو کې سره وویشي چې د پروژې له مخې به پنځه سوه کیوبك فټه ورځخه افغانستان د اخستلو حق لري او کیدای شي افغانستان د وړاندې ذکر شوو لاملونه له مخې دغه ګټه پورته نکړي او یوازې د هند او پاکستان لخوا په ترانزیتي فیس ورکولو اکتفاء وکړي.

خو له بلې خوا ددغې پروژې پلی کیدل د افغانستان د خپلو طبیعي منابعو او په ځانګړې توګه له ګاز څخه د ګټې اخستلو او نورو هیوادونو ته یې د صادرولو په صورت کې لرلی بازار هم له لاسه ورکوي؛ ځکه کله چې هندوستان او پاکستان خپلې اړتیاوې له ترکمنستان څخه پوره کړي نو د افغانستان د ملیاردونو ډالرو د طبیعي منابعو لپاره به بیا بازار نه اوسي ـ که چیرې نړیوالې ټولنې د افغانستان سره هر اړخیزې مرستې کړې وای او د یوولسو کلونو په موده کې د خپل حضور پر مهال یې افغانان ددې جوګه کړي وای چې خپل طبیعي ذخایر یې راویستل پیل کړي وای نو ښایې په هغه صورت کې پخپله د افغانانو او هم د سیمې د هیوادونو لپاره د افغانستان د ګاز نورو هیوادونو ته صادرول ارزانه او ګټور تمام شوي وای؛ نو ځکه ویلی شو چې دغه پروژه هیلې او ګواښونه دواړه سره لري.

وضعیت اطفال در افغانستان...

در نتیجه باید گفت که، چندین مشکل یکجا گردیده تا اطفال افغانستان را آسیب پذیر سازد. تداوم جنگ و موجودیت مخالفان سر سخت که از همه چیز استفاده ابزاری می نمایند، موجودیت یک میلیون معیوب و معلول و بالاتر از آن، کمیت بزرگ از معتادان مواد مخدر، موجودیت بیوه ها، خانواده های بی سر پناه، کمبود کار مسلکی و فنی، فساد اداری، سر باز گیری اطفال از سوی مخالفان، اطفال کشور ما را آسیب پذیر ساخته است. هر قدر که به این نو باوگان و اطفال کشور توجه و اهتمام صورت گیرد، به همان پیمانه جامعه از تباهی در آینده نجات می یابد.

ما در شرایطی از اطفال یاد می نمائیم که فردای جامعهٔ ما وابسته به این قشر است. هر قدر سرمایه گذاری در مورد اطفال صورت گیرد و به خانواده ها توجه بیشتر صورت گیرد به همان تناسب جامعه فردا با قوامتر خواهد. برای اینکه ما بتوانیم جامعه خود را از فساد و تباهی نجات دهیم، باید پیش زمینه های آن؛ یعنی آموزش و پرورش سالم اطفال را به وجود بیاوریم. هر وقتی که مادران از اجرای وظایف مادری کوتاه بیایند به همان تناسب جامعهٔ آینده سست و بی بنیاد خواهد بود. هر قدر در مورد تربیت عاطفی و احساسی کودکان و نوجوانان اهمال صورت گیرد، به همان تناسب اطفال بدون احساس و عاطفه بزرگ می شوند و جامعه را با همان منظر می نگرند. بعد از سال های اخیر میلیون طفل به مکتب میروند و میلیون های دیگر آن از رفتن به مکتب محروم اند و جمعیت بزرگی از اطفال کشور بنا بر فقر زیاد از این دایره بیرون مانده و به کار های شاق می پردازند. کودک افغانستان شاید بیچاره ترین نسل در دنیا باشد که در قرن بیست و یک نمی توانند حتی یک روز در زیر چتر صنف به درس گوش بدهند.

امروز صدها هزار خانواده در مناطق نا امن کشور وجود دارد و با آنکه اطفال شان واجد شرایط رفتن به مکتب را دارند اما نظر به وضع اقتصادی و جو ناسالم سیاسی و امنیتی از درس و مکتب محروم اند. این بزرگترین معضله است که در کشور ما در قرن بیست و یک وجود دارد؛ زیرا اطفال قادر نیستند به مکتب بروند، درس بخوانند و یا مکتب های شان نسبت معاذیری به روی اطفال و نوجوانان بسته می باشد؛ به همین ترتیب قسمت اعظم نسل فردای کشور ما بیسواد می مانند و قادر نخواهند بود به زنده گی خود و دیگران سر و سامان بخشند. امروز چندین آسیب اطفال ما را نگران ساخته است، جنگ، فقر مزمن، از دست دادن پدر فامیل، خشکسالی های ممتد، مهاجرت های بی رویه، نبود اشتغال و سایر عوامل تاثیر مستقیم بالای خانواده ها و اطفال دارد که ماحصل اینها، فقر، محرومیت از درس، امراض روانی و خانواده های بی سرپرست می باشد. در اوضاع و شرایطی که جامعهٔ جهانی و کنوانسیون های حمایت از اطفال در کشور های جهان وجود دارد، باید به سر نوشت و آیندهٔ اطفال کشور نگریست و آنها را از این معضل نجات داد.

چشم انداز روابط افغانستان با چین

اندیشه

به دنبال امضای پیمان راهبردی افغانستان با شش قدرت دنیا، اینک جمهوری اسلامی افغانستان می خواهد با کشور چین یکی از قدرت های منطقه ای تفاهمنامهٔ درازمدت به امضاء برساند.

به گفتهٔ مقامات دولت افغانستان، امضاء تفاهمنامه با چین، از ارزش های زیادی برخوردار است و تناقضی با منافع امریکا و حامیانش در افغانستان نخواهد داشت. چین بزرگترین قدرت اقتصادی آسیا و دومین قدرت اقتصادی در جهان است. وزارت خارجه هدف از داشتن روابط با کشور چین را نزدیک شدن به قدرت های منطقه خوانده است. قرار است حامد کرزی، رئیس جمهور در مورد طرح این موافقتنامه در نشست سران سازمان شانگهای، که ماه آینده در چین برگزار می‌شود، با مقام های این کشور صحبت نماید.

این در حالیست که افغانستان با امریکا رقیب سیاسی و اقتصادی چین، چندی پیش پیمان راهبردی امضاء نمود که دولت چین با آن محتاطانه برخورد نمود. اما نگرانی چین از حضور امریکا در منطقه هیچ گاهی پنهان نبوده و این کشور خواهان منطقهٔ بدون حضور پر رنگ امریکا می باشد. از آن‌جایی که منافع افغانستان و آینده کشور با داشتن روابط آن، با جهان و منطقه مطرح می باشد، در چنین حالات همان گونه که با امریکا و برخی کشورهای دیگر توافقنامهٔ همکاری های درازمدت به امضاء رسیده است، ایجاب می نماید که با برخی کشورهای همسایه، از جمله چین چنین سندی به امضاء برسد.

پیشینهٔ تاریخی چین با افغانستان:

ارتباط تاریخی بین چین و افغانستان در قرن هفتم میلادی شروع شد و در آن زمان گفته می شود که رهبر مانک های چین، سوان ژنگ، از درهٔ بامیان دیدن کرده و از دو مجسمه بزرگ بودا که بعداً در سال ۲۰۰۱ توسط طالبان تخریب شدند، تحسین کرد.

چین جزء شش کشور همسایهٔ ما بوده و به طول حدود بیش از ۹۰ کیلومتر سرحد مشترک دارد که تنها گذرگاه آن در ارتفاع ۵ هزار متری از سطح دریا در کوه های پامیر ولایت بدخشان موقعیت دارد. این گذرگاه یکی از راه هایی صعب العبور و در اکثر ماه های سال به خاطر برف باری مسدود است.

البته چین به دلیل ساختارهای بستهٔ حاکم و نبود مرز طولانی، در بحران افغانستان طی سه دههٔ گذشته کمترین سهم را داشته است. به همین دلیل است که امروز با وصف این که این کشور در همسایگی ما قرار دارد، اما مردم افغانستان تنها چین را با کالاهای وارداتی اش می شناسند و بس. چین سالانه به ارزش حدود دو میلیار دالر امریکایی از بابت تجارت از افغانستان سود می برد. این در حالیست که مفاد افغانستان از درک کالاهای صادراتی به یک میلیون دالر امریکایی نمی رسد.

پیشینهٔ روابط سیاسی با چین:

روابط دیپلماتیک بین دو کشور رسماً در سال ۱۹۵۵ برقرار شد که این عمل افغانستان را یکی از اولین کشورهایی ساخت که رژیم کمونیستی مائوتسه تونگ را به رسمیت بشناسد.

گروه چپ مائویستی که بعد ها به شعلهٔ جاوید در کشور معروف گردید، گفته شده است الهام از تیوری های حاکم بر چین نشأت کرده بود. مائویست ها را عبدالرحمن محمودی یکی از گروه های طرفدار چین کمونستی در افغانستان رهبری می نمود. این گروه بعد ها در همهٔ زدوبندهای داخلی گروه های

ص۶